

عنوان مقاله :

بہائیت ، فاقد مختصات یک دین الہی

نویسنده :

امیر حسین منطقی

استاد راهنما :

علیرضا روزبہانی

۱- چکیده:

هدف از خلقت انسان، قرب الهی است و ایصال به او در گرو پیمایش راه اوست که "دین" می نامند. دین به عنوان همزاد بشر همواره با اولین صادر و اولین تجلی حق تعالی یعنی "عقل" عجین بوده از اولین نیازهای بشری به حساب می آید. رکن تعریف دین سه مؤلفه است: ^۱ هست ها و نیست ها و باید ها و نباید های ترسیم شده از طرف حکیم مطلق که در تعبیر دیگر اصول و فروع دین نامیده شده اند.

این مقاله با رویکرد نظری و روش کتابخانه ای، و با هدف بررسی تطبیقی ارکان مذکور در مسلک بهائیت جهت پی بردن به ماهیت واقعی آن به کاوش پرداخته که فرایند آن چیزی جز یک دست آموزه های تأویلی، متناقض، سست و غیر وحیانی نیست. البته از دینی که منشأ غیر وحیانی داشته باشد بیش از این انتظار نمی رود. از آن رو که توجه به رویکرد سیاسی، روش تبلیغی و احکام عملی در این مسلک جهت روشن تر شدن بحث ضروری به نظر می رسد به آنها نیز اشاره ای شده است.

۲- کلید واژه ها:

توحید، نبوت، معاد، قیامت، بهشت، جهنم، تأویل و دین.

۳- مقدمه:

در تاریخ تفکر بشر، بر وجود امری مقدس و ماورائی در جهان خلقت تحت عنوان "خدا" تأکید شده و عقل و فطرت و اعتراف عینی و التزام عملی آدمیان به خالق مقدس، مؤید نکته فوق می باشد. اندیشه خانمان سوز مرگ، رنجش از ظلم و بیداد و مسائلی از این دست که راه حل خود را در علم و ذهن مخلوق پیدا نمی کند، وجود "دین" را امری قطعی و ضروری می نمایند.

دو نوع دین در عالم وجود دارد:

الف - دین اصیل: دینی که از طرف خداوند جهان جهت هدایت بشر نازل گشته هر چند بعد از مدتی به واسطه تکامل اوضاع بشر از جانب باریتعالی منسوخ گردیده باشد.

ب - دین غیر اصیل: مجعولات و بست و بندهایی که دارای اصل صحیح آسمانی نبوده و مخلوق اوهام و ساخته سیاستهای هواپرستانه و استعماری است.

مسلک بابی و بهائی گری از نوع دوم بوده و قرائن عدیده ای بر این مطلب دلالت دارد.

^۱ عقل به معنای العقل ما عبد به الرحمان و اكتسب به الجنان. ر.ک: زینب اسلامی، گناه و ترس آگاهی در اندیشه کی یر کگارد، *مجله علمی-ترویجی*

معرفت ۱۳۳، سال هفدهم، شماره دهم، دی ۱۳۸۷، ص ۱۶۰.

^۲ معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نما، *دین شناسی*، سازمان بسیج دانش آموزی. تعریف دیگری از دین ارائه شده که شامل ادیان غیر توحیدی هم میشود: "مجموعه ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است." ر.ک: محمد محمد

رضائی و دیگران، *جستارهایی در کلام جدید*، سمت، قم، چاپ دوم، ص ۳۰۰. به نقل از:

Paul Edwards, The Encyclopedia of philosophy, vol. 7, p. 140.
A New Dictionary of Religion, Ed by John R. Ainnells, p. 414.

قانون تجزیه و تحلیل و قانون علت و معلول (علت = استعمار و معلول = آثار مخرب مسلک) ابزار مناسبی جهت شناخت اصالت یک دین می‌باشد. خود بهائیان نیز به همین دلیل بغایت تلاش می‌کنند تا مؤلفات اصلی و تحریف نشده باب و بها و احکام و عقایدشان را از انظار پوشیده نگه دارند. تا آنجا که خود پیروان این مسلک هم از عقاید و احکام و بها و مبادی و مبانی این مسلک اطلاع ندارند و این مسلکی است که بر اساس بی‌اطلاعی پیروان آن بنا شده است.

در زمینه اعتقادات بهائی مطالبی به صورت پراکنده در برخی منابع مطرح گردیده است ولی این مقاله از آنجا که در صدد معرفی عقاید بهائیت به نحو موجز و مستند است می‌خواهد با پرداختن به مفاهیم اعتقادی ای نظیر توحید نبوت معاد، قیامت، بهشت و جهنم که در اسلام ناب محمدی از معانی واضح، ولی در بهائیت از معنای تأویلی خاصی برخوردارند، به این سؤالات پاسخ دهد که:

۱- آیا عقاید بهائیت از اتقان علمی و عقلی برخوردار است؟

۲- منع جعل احکام و عقاید در بهائیت چه کسی یا چه چیزی است؟

۳- اساساً ماهیت بهائیت چیست دین یا حزب سیاسی یا...؟ آیا مختصات یک دین را دارد؟

۴- تاریخچه:

۴-۱- علت محدثه (پیدایش) مسلک بهائیت:

۴-۱-۱- علل داخلی:

۴-۱-۱-۱- جریان فکری ای که محصول اوضاع و شرایط خاص زمانه بود:

۴-۱-۱-۲- روحیات درونی و شخصیت سران مسلک

۴-۱-۲- علل خارجی:

هر دو شیطان روس و انگلیس به نوعی در تخم‌ریزی و انعقاد نطفه این مسلک هم‌دست شدند. حسینعلی نوری (بها) مانند علی محمدشیرازی (باب) مسلکی را براساس خواسته‌های سیاسی وزارت مستعمرات انگلیس به وجود آورد تا «بابیه» ساخته دست روس، ۲ قدرت اجتماعی غیر قابل کنترل نشود و این سیاست همیشگی قدرتمندان جهت کنترل این طور نیروهای انقلابی می‌باشد. ۳ انگلیس‌ها از تحریک و تربیت و تقویت شیخ احمد احسائی ۴ فتنه «رکن

۱. یوسف فضایی، تحقیق در تاریخ: و عقاید شیخی‌گری، بابی‌گری... و کسروی‌گرایی، آشیانه کتاب، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۳.

۲. چگونگی برقراری ارتباط دالگورکی (جاسوس روسی) با محمدعلی و صمیمیت با او تا حدی که نیاز جنسی همدیگر را هم بر طرف کنند را در کتاب مهتدی (صبحی)، فضل‌الله - کاتب عبدالبها - به اهتمام علی امیر مستوفیان، **خاطرات انحطاط و سقوط**، علم، تهران، ۱۳۸۴، ص ۶۹-۶۶ مطالعه کنید. (این منبع اختصاراً صبحی ص... درج خواهد شد.)

۳. علی امیر مستوفیان، **رهبران ضلالت**، مولف، تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۴۹۸.

۴. شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶ هـ ق - ۱۲۴۳) - بنیان‌گذار مکتب شیخی‌گری - از اخبار یون می‌باشد. اصل عقاید شیخیه چنین است:

الف - امامان دوازده گانه شیعه را مظهر صفات الهی می‌دانند؛

رایع» را بوجود آوردند و روس‌ها [توسط دالگورکی] از طریق کاظم رشتی زمینه ادعای قائمیت علی محمد شیرازی را فراهم کردند. سپس هر دو سفارت روس و انگلیس برای حفظ و حمایت آنچه بوجود آورده بودند همکاری داشتند. چنان‌که ازلیان به حمایت از انگلستان و بهائیان در قرارشان حمایت روس شدند و برای این‌که به قدرتی تبدیل نشوند در مقابل هم دادند. عاقبت بهائیان به روسیه خیانت کرده به ذیل عنایت دایه انگلیسی پناه بردند، بالاخره به ارباب انگلیسی هم بی‌وفایی کرده به مولای پولدار و سخاوتمندتری مثل آمریکا پناه آوردند.^۱

۴-۲- علل مبقیه (استمرار)

۴-۲-۱- وضعیت روحی و حالات روانی و شخصیتی سران مسلک:

۴-۲-۲- عوامل درون مسلکی و شرایط زمانی و مکانی:

۴-۲-۲-۱- سنخیت با برخی از اصول محققه شیعه مثل رجعت ۲ و بدا؛
۴-۲-۲-۲- سنخیت با برخی از اصول باطنیه که روزگاری بر ایران تسلط داشته اند؛^۳
۴-۲-۲-۳- نزدیکی زیاد این اعتقاد به شیخیان ۴ [که در آن زمان از تفکرات رایج شناخته شده بوده]؛
۴-۲-۲-۴- آمادگی کامل جامعه برای ظهور امام غایب در اثر تبلیغات تعداد زیادی از علمای شیخیه که طرفداران زیادی هم داشتند.^۵
۴-۲-۲-۵- اعمال شکنجه روی پیروان باب از سوی حکومت به علت ترور نافرجام ناصرالدین شاه ۶ از سوی حکومت:

صاحب مفتاح باب الابواب چنین نظریه‌ای را مطرح می‌کند که این

شکنجه‌ها سبب انتشار مسلک بایان در ایران و هند و ترکیه شد.^۷

۴-۲-۲-۶- دو اشتباه بزرگ از طرف یکی از صاحب‌نظران جبهه مخالف علی محمد باب:

ب- از آنجا که امام دوازدهم در سال ۲۶۶ ه. ق. از نظرها غایب گشته و هنگام ظهور او فقط در آخرالزمان است، آنان مسئله «شیعی کامل» و حلول روح او را عنوان نموده تا اینکه بتوانند همیشه به امام غایب به نحوی دسترسی داشته باشند. این شخص در نظر شیخیان رکن رایع است؛
ج- آنان می‌گویند معاد، جسمانی نیست تنها چیزی که پس از انحلال جسم عنصری از بشر باقی می‌ماند جسم لطیفی است که آنان آن را «جسم هور قلبیایی» می‌نامند. بنابراین شیخیان به اصول زیر معتقدند:
۱. توحید؛ ۲. نبوت؛ ۳. امامت؛ ۴. اعتقاد به وجود شیعی کامل یا رکن رایع [شخصی که واسطه بین امام غایب و مردم است]. ر.ک: بهرام افراسیابی،

تاریخ جامع بهائیت، پیشین، صص ۲۵-۳۶.

^۱ صبحی، صص ۷۲-۷۳ و علی امیر مستوفیان، **رهبران ضلالت**، پیشین، پاورقی صص ۴۹۸ و ۴۹۹.

^۲ حسن گلپایگانی (فرید)، **ترجمه مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بها**، تابان، ۱۳۳۴، صص ۶۴.

^۳ همان، صص ۶۴.

^۴ همان، صص ۶۴.

^۵ بهرام افراسیابی، **تاریخ جامع بهائیت**، پیشین، صص ۵۱.

^۶ در مورد فجاج بهائیان ر.ک: بی‌نا، **فجاج بهائیت** واقعه قتل ابرقو استخراج از پرونده های شاهرود، کاشان و ابرقوی یزد در دادگاه جنائی تهران، کیهانی، تهران، بی تا.

^۷ حسن گلپایگانی (فرید)، **ترجمه مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بها**، پیشین، صص ۶۷.

"میرزا آغاسی (وزیر وقت) دو اشتباه مرتکب شد که باعث رونق و اشتها باب و مسلک او شد:

۱. به جای آن که علی محمد شیرازی را در میان مردم جای دهند تا حقیقت به خودی خود بر همه ثابت شود، او را به ماکو تبعید کرد و سپس در قلعه چهریق زندانی نمود که در این فاصله سه ساله از زمان ادعای باب تا زندانی شدن او و ایام زندانی شدن او فعالیت‌ها و تبلیغ‌های سه شخص بسیار مؤثر بود: ۱. ملا حسین بشرویه‌ای؛ ۲. تمایل قره‌العین با آن وجهت و نطق و شور و مطالعات عمیق مذهبی همراه با طبع شعر لطیف؛ ۳. حضور ملا محمد علی قدوس که این جمع را تکمیل و تکان بزرگی در مردم بوجود آورد.

۲. برگزاری نشست بین علماء دین و علی محمد باب که صرف همین نشست باعث اشتها او شد.^۱

۴-۲-۳- اقدامات و برنامه‌های بزرگان بهائی:

۴-۲-۳-۱- اختصاص دعوت این طایفه به طبقات بی‌اطلاع جامعه:

تا آنجا که حتی خود بایبان و بهائیان از خیلی از عقاید دینی

خودشان مثل هور قلیا و تناسخ^۲ و احکام و عقاید دینشان بی‌اطلاعند. به تصریح یکی از مستبصرین، بهائیان دو دسته‌اند: دسته‌ای از آنها انسان‌های فریب خورده و ناآگاه که به دام افتاده و غافلند و بهائیت یا به صورت موروثی به آنان رسیده و یا به علت عدم دانش کافی از دین و دیانت در دام آن افتاده و بهائیت را به عنوان دینی آمده از سوی خدا پذیرفته‌اند و بدون کوچکترین دلیل قانع کننده‌ای ادعای اربابان بهائیت را پذیرفته‌اند. دسته دوم کسانی‌اند که در رأس تشکیلات بهائی قرار دارند که از سیاسی بودن فرقه اطلاع دارند ولی به خاطر حفظ منافع، اعتراف نمی‌کنند.^۳

۴-۲-۳-۲- کار کردن روی ذهن بچه‌های بهائی:

۴-۲-۳-۳- پر کردن اوقات آنها با مراسمات خاص تا آنجا که ملاک

کرامت انسانی قرار می‌گیرد:

۴-۲-۳-۴- بها دادن ظاهری به اهل بهائیت و حمایت از آنها:

۴-۲-۳-۵- منع از مجاورت با علمای مسلمان و تحصیل کرده‌ها:

۴-۲-۳-۶- کیفیت برخورد با نجات یافتگان از بهائیت:

صبحی بعد از اینکه گوشه‌ای از چگونگی رفتار بهائیان با خود صبحی را آن زمان که صبحی مستبصر می‌شود به رشته تحریر در می‌آورد - که واقعاً دردناک است - می‌گوید: «اگر بخواهم گزارش بسیاری از مردم را که به دست آنها [بهائیان] نابود شدند بگویم به دفتری جداگانه نیاز می‌افتد.»

۱. بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، پیشین، ص ۱۶.

۲. ر.ک: بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، پیشین، ص ۶۵.

۳. مهناز رثوفی، سایه شوم، پیشین، صص ۱۶-۱۷.

پدر صبحی هم در مورد همین ماجرا چنین می گوید: «فرزندان ن این گروهند که می خواهند مردم جهان را باهم یکی کنند و به دشمنی و بیگانگی را از میان بردارند!!!»^۱ در اثر همین برخوردهاست که اکثراً پی به بطلان مسلکشان می برند ولی جرأت بروز آن را ندارند چه عالم باشد مثل مشهورترین و قوی ترین تنوریسین بهائی ابوالفضل گلپایگانی صاحب فرائد. ۲. چه عوام.^۳

۴-۲-۳-۷- ادامه همکاری و سرسپردگی عمیق و همه جانبه با دولتهای
استعماری:

۴-۲-۳-۸- صرف هزینه های سنگین:

۴-۲-۳-۹- نفوذ در حکومت پهلوی:

تا آنجا که طبق یکی از اسناد پنج گانه منتشره توسط ساواک، بهائیان تصریح می کنند که در تمام وزارتخانه ها یک جاسوس داریم مثلاً در لجنه پیمان کار، کادر بهائیان ایران هر روز گزارش خود را در زمینه ارتش ایران و اینکه چگونه چتربازان را آموزش می دهند به محفل روحانی بهائیان تسلیم می کنند.^۴

۴-۲-۳-۱۰- دیدگاه و راه حل متخذ در امر شهوت و ازدواج:^۵

یکی از جاذبه های مسلکشان همین گزینه است. علی محمد دستور داده که در سن یازده سالگی ازدواج کنند و در صورت لزوم دو زن اختیار کنند.^۶ علی محمد حجاب را موجب عقاب شمرده و می گوید یک زن به نکاح آرند و نود زن را به استحباب در اختیار گیرند.

تا آنجا افراط می شود که قره العین^۷ می گوید: هر کس مرا لمس کند به بهشت رود.^۱ و [بقیه گفتارش را حیا اجازه کتابت نمی دهد].

۱. صبحی، صص ۳۹۴-۴۱۴.

۲. ر.ک: صبحی، صص ۳۰۴-۳۰۶. نورالدین چهاردهی، **بهائیت چگونه پدید آمده**، پیشین، صص ۲۶۶ به نقل از **کشف الحیل**، ج ۳، صص ۲۴۳. (وبهرام افراسیابی، **تاریخ جامع بهائیت**، پیشین، صص ۴۰۳ می نویسد گلپایگانی دلیلی بر حجیت بهائیت نیافته است).

۳. **مجله ایام**، ویژه تاریخ معاصر، شماره ۲۹، ۶ شهریور ۱۳۸۶، صص ۵۹؛ صبحی را هم خیلی تهدید کردند، گفتند درمانده و حقیر خواهد شد ولی به فضل خدا همچنان که خودش می گوید چنان شد که از ناموری گاهی با دشواری روبه رو می شود. صبحی، صص ۴۱۳، حدیث سلسله الذهب مایه دلگرمی تمام خداپاوران است - امام رضا "ع": خداوند میفرماید: کلمه "لا اله الا الله" دژ من است هر کس داخلش شود، ایمن از عذاب من است. سپس امام "ع" آنرا مشروط به قبول امامت خویش می نمایند. ر.ک: علامه مجلسی، **بحار الانوار**، موسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴، ج ۴۹، صص ۱۲۳.

۴. **مجله ایام**، پیشین، صص ۵۸. برخی از مسئولان بهائی آن زمان عبارتند از: هویدا، منصوری و روحانی، هژبیزدانی، عباس ارام (وزیر امور خارجه) و پرویز تابتی (جلاد ساواک). ر.ک: همان، صص ۵۴.

۵. راه های پیشرفت مسیحیت و بهائیت به طور کلی سه چیز است: اخلاق خوب، پول و تطمیع و شهوت. **cd بهائیت استاد مردانی**.

۶. ر.ک: عزالدین رضائزاد، **مجله انتظار موعود**، سال چهارم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۸۳، صص ۵۳۶.

۷. نورالدین چهاردهی، **باب کبست سخن او چیست**، پیشین، صص ۱۱۲.

۸ این زن [که حافظ قرآن بود] با فصاحت و بلاغت ادبی که داشت مردم را به گمراهی کشاند. عموی خویش حضرت علامه برگوار، محمد تقی معروف به شهید ثالث را به لحاظ مخالفت با فرقه ضاله بایه به شهادت رساند. ر.ک: صبحی، صص ۴۷۷ و **تاریخ جامع بهائیت**، صص ۱۹۴. اقبال لاهوری در مورد او چنین سروده است:

با پیشیزی دین و ملت را فروخت
هم متاع خانه و هم خانه سوخت
رفت از او آنمستی و ذوق و سرور
دین او اندر کتاب او
بگور (چهاردهی، صص ۲۷۵).

حسینعلی حکم نکاح را واجب دانسته و بیشتر از دو زن را جایز نمی‌داند^۲ در حالی که خودش چهار زن داشت که مهم‌تر از همه خانم باجی بود که حسینعلی او را مهد علیا لقب داد.^۳

حکم زنای غیر محصنه و غیر محصن را در اقدس (ص ۱۵، س ۱۲) نه مثقال طلا معرفی کرده و زنای محصنه و محصن را به بیت‌العدل حواله کرده تا هر وقت تشکیل شد آنها تصمیم بگیرند.^۴ تاراه برای شهوت پرستی همچنان بازماند.

در (اقدس، ص ۳۰، س ۱۰) زن پدر حرام اعلام شده و پس از آن حیا فرموده‌اند که حکم لواط را که به آن اشاره کرده بیان کند. لذا لواط در این مسلک حکمی ندارد.^۵

متعّه (ازدواج موقت) در این مسلک حرام و به عنوان هواپرستی معرفی شده است.^۶

گذشته از انتقاداتی که در ذیل همان مطلب وارد شده بنده نیز لازم می‌دانم که نکته ای را در این مورد بیان کنم:

۱. وجود شهوت و قدرت آن در نهاد بشری امری بدیهی است؛

۲. جهت ارضاء صحیح آن طبق احکام شرع مقدس اسلام و مذهب تشیع دو راه بیشتر وجود ندارد: ۱. ازدواج دائم؛ ۲. ازدواج موقت (متعّه)؛

۳. علما فواید زیادی برای ازدواج موقت بیان کرده‌اند که با رجوع به کتب مربوطه این مطلب به وضوح رؤیت خواهد شد. نگارنده بر آن است که علاوه بر فواید عدیده ای از قبیل امنیت بهداشتی و روانی جامعه، یکی از راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی و همچنین از راه‌های جلوگیری از جذب جوانان عزیز ایران اسلامی به آیین‌ها و مسلک‌هایی مثل بهائیت، احیای این سنت علوی است. این نکته مورد تاکید نگارنده است که تنها مشکل اجرائی شدن این امر مبارک - که عدم فرهنگ‌سازی در این زمینه در بین مردم متعهد و جوان ایران اسلامی است - باید توسط مسئولین محترم مربوط مرتفع گردیده این سنت الهی احیا گردد.

با آرزوی جریان این سنت الهی در جامعه، ادامه بحث را پی می‌گیریم:

هدف از برقراری جلسات مختلط را این‌طور بیان کرده‌اند که بهائیان با غیر بهائیان ازدواج نکنند و با مسلمان‌ها ارتباط نداشته به فساد اخلاقی مبتلا نشوند.^۷ آزادی مطلق در بهائیت تا آنجاست که دخترها و پسرها با هم به شنا می‌پردازند آن هم با یک پوششی که عدم توصیفش اولی است.^۸ اگر در کشور ما امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان فریضه‌ای که تمام فرائض نسبت به آن مانند قطره‌ای در مقابل اقیانوسند^۹ و هدف قیام خونین و تاریخی امام حسین "ع" می‌باشد، مزاحم افراد شهوت پرست است، در بهائیت امر به معروف - به همان معنا که در اسلام است

۱. همان، ص ۵۶.

۲. حسن گلپایگانی، ترجمه **مفتاح باب الابواب**، پیشین، ص ۲۶۶.

۳. صبحی، ص ۲۰۰.

۴. ح.م.ت، **محاکمه و بررسی باب و بها**، چاپخانه مصطفوی، ۱۳۴۴ هـ.ش، چاپ سوم، ص ۱۸۸.

۵. همان، ص ۱۸۶. امکان اینکه تحریم امهات فقط برای فرزند خودش بوده، وجود دارد. ر.ک. ح.م.ت. **محاکمه و بررسی باب و بها**، پیشین، ص ۱۲۲.

۶. همان، صص ۱۶۴-۱۶۵.

۷. مهناز رثوفی، **سایه شوم** (نیمه پنهان، ج ۲۶)، پیشین، ص ۶۸.

۸. همان، ص ۴۷.

۹. حر عاملی، **وسائل الشیعه**، موسسه آل‌البیت "ع"، ج اول، ص ۱۶، ج ۱۶، ص ۱۲۴.

وجود نداشته^۱ لذا شهوت پرستی بدون هیچ گونه مانعی، افسار گسیخته به سوی هدفی که استعمار معین کرده همچنان در شتاب است.^۲ بهائیان علی‌رغم دستور سرانشان بیشتر با غیربهای ازدواج می‌کنند. و کارهای خلافشان را هم بیشتر با غیربهایان انجام می‌دهند تا در بین خودشان اشتهار به «هوسران» پیدا نکنند.^۳

۴-۲-۳-۱۱- ارائه آمار قلبی در مورد تعداد بهائیان:

۴-۲-۳-۱۲- کیفیت تبلیغ:

۴-۲-۳-۱۳- معرفی کردن کسی که بر علیه بها یا مسلک او حرفی

بزند به عنوان عقب‌مانده و روانی در بین مردم^۴

۴-۲-۳-۱۴- نقش استعمار در پیدایش و بقاء بهائیت از امور مسلم

و واضح است.^۵

آن قدر مسئله بهائیت و حفظ "بها" برای روس اهمیت دارد که گفته شده شخصی مثل دالگورکی^۶ را به ایران ارسال کرده هزینه بسیار کلانی هم در راستای اهداف پلیدشان مصرف می‌کنند. این جاسوس آنقدر نفوذ دارد که در قضیه نجات حسینعلی حکومت را تهدید می‌کند که اگر یک مو از سر حسینعلی کم شود نهرهای خون در این شهر جاری خواهد شد.^۷ دالگورکی در مورد اسلام چنین می‌گوید: «پس از پنج سال و چند ماه که در ایران بودم به من ثابت شد که دین اسلام بر حق است و می‌تواند بشر را سعادت‌مند کند و هیچ شک و شبهه‌ای برای من باقی نمانده بود و نیت کرده بودم که در حضور امپراطور و اعیان و بزرگان دولت مدلل کنم که دین اسلام ناسخ تمام

۱. مهناز رئوفی، *سایه شوم*، پیشین، ص ۴۷.

۲. اقدامات (ارتکاب) مبلغین بهایی و دیگر بهائیان در این زمینه (زنار.ک: صبحی، ص ۲۴۰، ۲۳۹، ۴۲۹، ۴۳۴، ۴۳۵، ۸۴ ح.م.ت.، *محاكمه و بررسی باب*

وبها، پیشین، ۱۸۸

۳. همان، صص ۵۵-۶۸.

۴. مهناز رئوفی، *سایه شوم* (نیمه پنهان، ج ۲۶)، کیهان، ۱۳۸۵، چاپ دوم، ص ۶۵.

۵. ر.ک: علی رضا روزبهانی بروجردی، *در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت)*، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۵. (مطالعه این کتاب که به نحو موجز و مستند نوشته شده برای طالبان حقیقت توصیه می‌گردد.)

۶. که به عنوان مترجم وارد ایران می‌شود و پیش یکی از طلاب به نام شیخ محمد که از شاگردان حکیم گیلانی (محقق دیگری که این کتاب را نوشته است آقای یاسینی نسب - قائلند که تحقیق کرده چنین شخصی را نیافته اند. ر.ک: (تحقیق) عبدالعلی یاسینی نسب (عمارلو)، *خاطرات سیاسی جاسوس روسی کینیناز دالگورکی در ایران*، صبوری، قم، ج اول، ۱۳۸۲). بوده تظاهر به مسلمانی می‌کند و با برادرزاده استادش به نام زیور که چهارده ساله بوده ازدواج می‌کند. زبان فارسی و عربی را هم به طور کامل یاد می‌گیرد علاوه بر صرف، نحو، صرف، عربی، تصاب و ترسل و تاریخ معجم، فقه و اصول را در حد قریب به اجتهاد یاد می‌گیرد و لباس روحانیت را به تن کرده با استفاده از عناصری مثل یحیی و حسینعلی و زن خودش "زیور" به جاسوسی و ایجاد تفرقه بین شیعه می‌پردازد. و تا آنجا پیش می‌رود که حتی در عزل و نصب‌های حکومتی و تصمیمات مهم حکومت هم دخالت می‌کند. (ر.ک: کینیناز دالگورکی، *خاطرات کینیناز دالگورکی*، حیدر بهره‌من، مؤسسه فرهنگی دارالمهدی و القرآن الکریم، اصفهان.)

۷. صبحی، ص ۷۷.

منابعی که به نقش دالگورکی در نجات بها اشاره کرده اند عبارتند از:

قرن بدیع ص ۸۳، همان قسمت دوم ص ۹۰ و ص ۸۶ در لوحی که به افتخار نیکولاویچ صادر می‌کند "وقد نصرنی احد سفرائک... " *تاریخ بهجة الصدور* ص ۱۲۸، *وبها* و *عصر جدید* ص ۴۲، *مبین* ص ۵۷-۵۸ "یا ملک الروس ان استمع نداء الله الملك القدوس... قد نصرنی احد سفرائک" به نقل از cd بهائیت، استاد مردانی. در برخی منابع نیز با استناد به ده منبع از منابع اصلی بهائی این مطلب به اثبات رسیده است. ر.ک: مهدی کریمی، *بهائیت از ادعای واقعیات*، پیشین، ص ۶۱-

ادیان است و هیچ دین دیگری هم بعد از آن نخواهد آمد و قبول این دین برای عموم مردم هم اجر آخرت دارد هم اجر دنیا. ولی پس از حضور در وزارت خارجه و هزاران سؤال و جواب چنان یافتم که حرفی بر زبان جاری نکنم زیرا الکساندر دوم پادشاه و امپراطور روسیه به شخصه مرا خفه خواهد نمود.^۱

۴-۳-علل غایی (هدف) تشکیل این مسلک:

۴-۳-۱-اهداف سران تشکیلات بهایی:

۴-۳-۲-اهداف استعمارگران خارجی:^۲

تصریح دالگورکی بهترین و گویاترین جمله است که هدفشان را معین می‌کند. او چنین می‌گوید: «من همیشه در فکر بودم که چگونه عده‌ای شیعه بر تمامی گروه‌های اهل سنت و نیز بر امپراطوری بزرگی چون دولت عثمانی غلبه کرده‌اند و چطور این گروه اندک با روسیه جنگیده‌اند و تعداد زیادی از آنها را هلاک کرده‌اند؟ و دانستم که تمام اینها به خاطر وحدت مذهبی آنان به واسطه عقیده و ایمانشان به دین اسلام است و علت آن این است که هیچ‌گونه اختلاف مذهبی در آنان وجود ندارد. هر چند بعد از دوران صفویه نادرشاه در صدد بود که آنان را متحد سازد اما نیرنگ بعضی از جاهلان و سیاست‌های بیگانه مانع شد و باعث انشعاب آنان به گروه‌هایی به نام صوفی و شیخی و بهره... گردید. شیعه نیز مانند اهل تسنن دارای شعبه‌های مختلفی گردیده است من نیز در صدد ایجاد آیینی بودم که مرز نمی‌شناخت و مخصوص یک وطن نبود زیرا تمام فتوحات به خاطر حب وطن و وحدت مذهبی بوده است.^۳

عامه مردم که بین حق و باطل فرق نمی‌گذارند؛ فلان مرشد خرسواری که هیچ علم و معرفتی ندارد حتی عم جز را نیز نخوانده رئیس گشته و هزاران نفر از دراویش را افسار بسته و آنان را به گدایی و فقری در دهات و روستاها از صبح تا شام وادار ساخته است آنان نیز با اصرار از مردم چیز می‌گیرند.^۴ این نکته که روسیه در استفاده از اختلاف شیخی و متشرعه جهت تضعیف دولت ایران بهره‌برداری کرده در برخی از منابع مهم نیز مطرح شده است.^۵

همچنان که رهبر فرزانه انقلاب بارها تاکید نموده‌اند، تفرقه قومی هم از اهداف استعماری است. دالگورکی می‌گوید: «لازم است که پایه‌های اتحاد مسلمین با ایجاد اختلاف قومی در هم فرو ریزد اما نفوذ رقیب ما انگلیس در آن سرزمین‌ها از نفوذ ما هزار بار بیشتر بود و نفع او در آن بود که خلافت اسلامی باقی بماند و دولت عثمانی از بین نرود.»^۱

۱. ر.ک: (تحقیق) عبدالعلی یاسینی نسب (عمارلو)، *خاطرات سیاسی جاسوس روسی کینباز دالگورکی در ایران*،

۲. نکته قابل ذکر این است که برخی از دین‌شناسان بزرگ و مشهور غربی هم بهائیت را نه از اسلام و نه از شیعه از هیچ کدام به شمار نیاورده و ریشه آن را در شیخی‌گری احسائی می‌دانند. ر.ک: جان ناس، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج پنجم، ص ۷۹.

۳. رنوفی می‌گوید بهائیت هر گونه تعصبی وطنی، دینی و ملی و هر عرق و علاقه و غیرتی را از انسان می‌گیرد. مهناز رنوفی، *سایه شوم*، پیشین، ص ۴۷.

۴. مجله *خورشید مکه*، ذیحجه ۱۴۲۵، شماره ۲۵، ص ۲۳؛ به نقل از کتاب *خاطرات دالگورکی*.

۵. بهرام افراسیابی، *تاریخ جامع بهائیت*، پیشین، ص ۱۲.

یکی از منابع قوی در مورد بهائیت، فلسفه ایجاد بهائیت در ایران را تلاش ناموفق استعمار روس و انگلیس در راستای ایجاد تفرقه ملی از طریق استفاده از نوگرایی دینی دانسته و این مطلب را به طور مستند اثبات می‌نماید.^۲ وقتی دیدند کسی به آنان اعتنا نمی‌کند از حربهٔ مظلوم‌نمایی برای حفظ و صیانت از خود و همچنین جلب ترحم و احیاناً کسب حمایت عمومی استفاده کردند. در این راه حتی به دروغ‌پردازی‌هایی روی می‌آوردند که خود بهائیان نیز متعرض آن می‌شوند، نظیر:

اسطوره‌سازی از شخصیت‌های اولیه بهایی که چه شلاق‌ها خوردند و استقامت کردند و صحنه‌های بسیار حماسی و پرشور ساختن از جنگ‌ها و قتل و غارت‌هایی که به راه انداخته بودند. اما مظلوم‌نمایی هم راه به جایی نبرد و داد سران بهائیت را در آورد تا آنجا که در اثر خشم، روحیه ماکسول^۳ (همسر شوقی افندی) خیلی قبیحانه چنین می‌گوید:

"مردم به طور کلی چون گله گوسفند که دسته‌جمعی بعبع می‌کنند می‌چرند و حرکت می‌کنند."^۴ خود بها نیز گلایه‌هایی دارد که چرا مردم اعتنایی به بهائیت نمی‌کنند. یکی از گلایه‌های او اینست:

"چندی در بین این قوم مکث نمودیم ولی ادنی [=کمترین] توجه و اقبال و کمترین تذکر و انتباهی از آنان مشاهده نگردید."^۵

۵- عقاید بهائیت

در این مسلک همواره بین حقیقت و واقعیت فرسنگ‌ها فاصله وجود داشته که ماموریت اصلی سران آن نیز اختفای این امر از بهائیان و همچنین از مردم دنیا است. در این زمینه مؤلف کتاب راهنمای ادیان زنده چنین می‌نویسد:

«در نسخه‌های کتاب‌های بها توسط مراکز بهایی که به نشر آثار حسینعلی اهما تمام دارند بارها به صلاح‌دید مقامات بهایی تغییراتی حاصل شده است.»^۶

غافل از اینکه در این عصر اطلاعات این منطق و ادله است که خود نمایی کرده ابرهای تیره غفلت و جهالت را پس زده خورشید عالم تاب تشیع را نمایان خواهد کرد و شاید همین عامل موجب اعطای عنوان "اغنام الله" از

۱. مجله خورشید مکه، پیشین، ص ۲۳.

۲. سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، پیشین، ص ۴۳.

۳. ماکسول به معنای کنیز بها، همین لقب نمونه بارز از تساوی حقوق زن و مرد در بهائیت است. (مجله ایام، پیشین، ص ۶۱).

۴. مجله ایام، پیشین، ص ۶۰.

۵. همان، ص ۶۰.

۶. هیلنز، جان ر، راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبدالکریم گواهی، ج ۲، ج دوم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶. به نقل از ایوان، محیط طباطبایی، سال ۲، ص ۱۱ و ۱۲، ص ۹۵۲ - ۹۶۱، سال ۳، ش ۵، ص ۳۴۳ - ۳۴۸، ش ۶، ص ۴۲۶ - ۴۳۱، ش ۹، ص ۷۰۰ - ۷۰۶.

سوی سران بهائی بر بهائیان فریب خورده و همچنین علت - به اصطلاح خودشان - تحری حقیقت و استبصار بسیاری از بهائیان شده گرچه خیلی ها جرات ابراز نداشته باشند.^۱

۵-۱- اصول ادعائی^۲

دیانت بهائی: ۱. وحدت عالم انسانی. ۲. تحری حقیقت. ۳. اساس ادیان الهی یکی است. ۴. دین باید مطابق علم و عقل باشد. ۵. تساوی حقوق زن و مرد. ۶. ترک تقلید. ۷. تعلیم و تربیت عمومی و اجباریست. ۸. وحدت لسان و خط. ۹. صلح عمومی. ۱۰. دین باید سبب محبت باشد. ۱۱. تعدیل معیشت و حل مشکلات اقتصادی از طریق روحانی. ۱۲. تاسیس صلح عمومی بوسیله یک حکومت جهانی برپاشود.^۳

۵-۲- اصول واقعی

بامسامحه از تعبیر فوق استفاده کردیم چرا که بهائیت را نمی توان دین نامید. جهت اثبات این ادعا کافست ارکان اعتقادی ادیان ابراهیمی که عبارتند از توحید نبوت معاد را در این مسلک هم مورد بررسی قرار دهیم:

۵-۲-۱- توحید و نبوت^۴

تذکرات بسیار مهم:

جهت درک بهتر و آمادگی بهتر برای ورود در بحث، تذکر چند نکته ضروری به نظر می رسد:

۱- نبوت مقامی انتصابی آنهم به نحو خاص از طرف باری تعالی است که یا از طریق وحی مستقیما به رسول یا نبی ابلاغ نبوت یا رسالت می شود یا از طریق وحی به واسطه یک نبی دیگر. الله اعلم حیث يجعل رسالته. اما در بهائیت: اولاً: کاملاً زمینی بوده خبری از وحی نیست اگر چه ادعای وحیانی بودن دارند که مثل سایر ادعاها بی دلیل لذا باطل است.

ثانیاً: هنوز این ابهامات حتی بین بهائیان روشن نشده و پاسخ معقولی بدانها داده نشده است:

^۱ مانند آبتی، حسن نیکو، مهناز رثوفی، صبحی (کاتب عبد البها)، ویدر ش، حسین فلاح، فردی به نام منطقی، ابوالفضل گلپایگانی و خیلی های دیگر که برخی کتابها و نوشته هایی در معرفی ماهیت واقعی بهائیت نیز دارند از جمله کتابهای **مسلخ عشق و سایه شوم** نوشته خانم رثوفی که به صورت رمان نوشته شده روزنامه کیهان آنها را چاپ کرده است. در ص ۵۹ مجله ایام داستانهای کوتاهی ذکر شده است.

^۲ بررسی این اصول ادعایی از حوصله این مقاله خارج است. جهت اطلاع بیشتر زمینه ر.ک: علی رضا روزبهانی بروجردی، **در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت)**، پیشین، صص ۱۵۱-۱۸۰.

^۳ نورالدین چهاردهی، **چگونه بهائیت پدید آمده**، آفرینش، تهران، ۱۳۶۹، چاپ دوم، ص ۷۳. لازم به ذکر است آنها که اندک اطلاعی از بهائیت دارند صرف شعار بودن این ادعاها را دریافته اند. علاوه بر مطالب مذکور در مقاله ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست: بها و عبدالبها هر دو برای تبیین حقوق زنان، به قانون موجود در عالم حیوانات استناد کرده اند لکن اولی با استناد به برتری حیوانات ذکور برتری مردان را نتیجه گرفته **(گلزار تعالیم بهائی، ص ۲۸۸)** و دومی تساوی را. **(خطابات حضرت عبدالبها، ج ۱، ص ۱۶۳)**. تعارض مسئله تحریم عضویت زنان در بیت العدل اعظم بهائی با مسئله تساوی حقوق زنان و مردان در بهائیت به گونه ای است که جناب شوقی افندی اذعان داشته: "از آنجا که جناب عباس افندی فرموده اند حکمت این موضوع در آینده ظاهر خواهد شد، ما باطمینان به صحت مطلب باید آنرا قبول کنیم ولی نمی توانیم برای فرو نشانیدن اعتراضات حامیان نهضت زنان توجیهی ارائه دهیم." (جولای ۱۹۴۷) مع العصف رهبران بهائی اصرار دارند: "نساء و رجال کل در حقوق مساوی به هیچ وجه امتیازی در میان نیست." **(تعالیم گلزار بهائی، ص ۲۸۳)**. ر.ک: سایت صفا، مقاله **زن در بهائیت**، بی نا.

^۴ جهت اكمال بحث در این زمینه ر.ک: علی رضا روزبهانی بروجردی، **در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت)**، پیشین، صص ۱۳۷-۱۸۰.

۱- پیامبر بودن و ادعاهای دیگر علی محمد شیرازی و همچنین حسینعلی نوری چطور ثابت می شود؟
۲- فرضا علی محمد پیغمبر باشد، او جانشین معرفی کرد یا خیر؟ اگر معرفی کرده چه کسی را معرفی کرده است؟ یحیی و بهایمان یظهره الله که بعد از ۱۵۱۱ سال (به عدد حروف غیاث به حساب ابجد) یا بعد از ۲۰۰۱ سال (به عدد مستغاث)؟

۳- آیا غیر از این است که بهترین-شاید تنها ترین- دلیل صحت ادعای نبوت و بهترین دلیل قوی ترین محرک و عامل پذیرش این ادعا از طرف مردم، ارائه معجزه است؟ آیا آندو معجزه دارند؟
ثالثا: فلسفه عصمت انبیا این است که اگر انبیا خطا کنند- از آنجا که مردم مأمور به تبعیت اند- مردم نیز در این امور و حیاتی و دینی مرتکب خطا شوند که در این صورت نقض غرض الهی پیش می آید؛ آیا این فلسفه در بهائیت هم لازم است؟ آیا باب و بها معصومند؟

۴- علی رغم حرام دانستن تأویل، بازار تأویل در این مسلک داغ است اضافه بر تأویلاتی که در ص ۲۴ و ۲۵ ذکر شده. نمونه هایی از دیگر تأویلات نیز ارائه می گردد:

۱- مقصود از سماء در کلمات نبویه سماء دیانت و سماء امرالله است. ۲- منظور از شمس و قمر نجوم در یک مقام و امر الله و اولیاد او در ظهور دیانت جدید است و در مقامی دیگر ارکان و احکام و فقهای دیانت سابقه است. ر. ک: گلپایگانی، *فروای دو پیشین*، صص ۳۷۲-۳۷۳. ۳- اطلاق تلویحی "شمس" به مفهوم مظهر الهی به نقطه بیان (باب) از سوی بهار. ک: *ایقان*، چاپ مصر، ۱۳۱۸ مطابق با ۱۹۰۰ م.

۴- منظور از لقاء لقاء جمال او (بها) *ایقان*، پیشین، ص ۱۴۲.

۵- منظور از مشارق و مغارب مظاهر الهی و از بین رفتن آنهاست. *ایقان*، پیشین، ص ۳۶.

۶- اذا السماء انفطرت یعنی سماء ادیان که در هر ظهور مرتفع میشود و با ظهور بعدش کافته میشود یعنی باطل و منسوخ می گردد. *ایقان*، پیشین، ص ۳۷.

۷- تفسیر "ابرار" در آیه ۵ سوره دهر به بهائیان. *ایقان*، پیشین، ص ۳۵.

۸- منظور از الراسخون فی العلم من (بها) هستم. *ایقان*، پیشین، ص ۱۵.

۹- تفسیر آیه یوم تبدل الارض غیر الارض (آیه ۴۸ س ابراهیم) به قلوب کسانی که بدون سواد خداوند به پانها علم لدنی داد. (منظور خودش و احتمالاً باب است). *ایقان*، پیشین

۱۰- أرض و سماوات در آیه ۶۷ سوره زمر سماوات = سماوات ادیان، أرض = أرض معرفت و علم

۱۱- آیه ۷۲ سوره الرحمان حور مقصورات = معانی ای که در غرفه های حکمت محصور گشته اند.

۱۲- آیه ۱۰ سوره دخان. دخان مبین یغشی الناس هذا عذاب أليم = آن حوادثی که برای امتحان مردم است مانند: قتل موسی "ع"، تغییر قبله و داستان مریم "س".

۱۳- آیه ۷۴ الرحمان. سؤال = به معنای شناخت از روی سیمای آنهاست. وقتی نگاه به صورتشان می کنند همه چیز را می فهمند و نیازی به سؤال کردن به مفهوم مصطلح آن ندارند. همه این تأویلات از *ایقان*، پیشین است. توجه

۱. تمام تأویلات مذکور از *ایقان*، پیشین است. جهت اطلاع بیشتر. ک: اسلمنت، بهاء الله و عصر جدید، صص ۲۹-۳۰ و *ایقان* ص ۷۶.

کنید چطور آیات معاد را تأویل کرده است. وقتی معادی نیست چه کسانی از سیمای مردم همه چیز را خواهند فهمید؟ چرا میخواهند بفهمند؟

۵- طبق گفته بها سعادت فرد در گرو دو اصل است: ۱- عرفان یزدان ۲- عمل به اوامر و احکام نازل از سماء مشیت حضرت منان (منظورش خودش می باشد). چقدر از اقدس قابل فهم است؟ چقدر از آن معقول و قابل عمل کردن است؟

در منابع اصیل و اولیه بهائی، باب و بها خدایند^۱، نه خدای واحدی که در ادیان اصیل (نه تحریف شده) معرفی شده است. گرچه این هم از اموریست که برخی از سران و مبلغان بهائی با توجیهاات و تأویلاتی سعی در اختفای آن دارند. مثلاً شوقی افندی آیین بهائیت را معتقد به وحدانیت خداوند می داند.^۲

همه ادعاهای باب و بها را به سمع نظر می رسانیم قضاوت با خواننده گرامی. ۶- در مورد امام دوازدهم "عج" در کتاب ماهیت باب و بها^۳ مطالب مهمی ذکر شده که نقل آنها ضروری به نظر میرسد:

در سال ۱۳۲۹ ه. ق. امام زمان "عج" طی دست خطی به آخرین نایب خود علی بن محمد سیمری (سمری) پایان دوران نیابت خاصه و شروع غیبت کبری را اعلام و تاریخ ظهورشان را موعول به خواست و اراده خداوند و (آمدگی جامعه بشری) نمودند.^۴

متجاوز از ۱۳۰ آیه از آیات قرآن توسط پیامبر اکرم "ص" و ائمه اطهار "ع" در رابطه با حضرت مهدی "عج" تبیین و تأویل شده است. تا کنون بیش از ۳۰۰۰ جلد کتاب در باره حضرت مهدی "عج" نوشته است. از جمله آنها کتابی در باره خصوصیات حضرت به نام منشور ولایت تألیف آیه الله سبحانی "حفظه الله" است که بدین صورت دسته بندی نموده اند:

عنوان موضوع	تعداد حدیث
۱- حضرت مهدی از اهل بیت پیامبر است.	۳۸۹
۲- از فرزندان علی است.	۲۱۴
۳- از فرزندان فاطمه است.	۱۹۲
۴- نهمین فرزند از اولاد امام حسین است.	۱۴۸
۵- از فرزندان امام سجاد است.	۱۸۵
۶- از فرزندان امام حسن عسگری است.	۱۴۶
۷- دوازدهمین امام از ائمه اهل البیت است.	۱۳۶

۱. البته عده دیگری از بابیان و بهائیان هم ادعای الوهیت داشته اند مانند: طاهره قره العین و قدوس. ر. ک. : bahaireserch. ir. عناوین آخرین مناظرات، حضرت بهاء الله خدای خدایان! (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵).

۲. از راهنمای ادیان زنده، ج ۲، ص ۱۱۶۴ به نقل از. Shoghi effendi, guidance for tomorrow, London \wilmette, il, bahai publishing trust, 1953. ص ۳ و ۴.

۳. ماهیت باب و بها، پیشین، ص ۷-۱۲.

۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰ حدیث ۷.

۸- روایاتی که از ولادت حضرت گزارش می‌دهند. ۲۱۴

۹- عمر حضرت طولانی خواهد بود.^۱ ۳۱۸

۱۰- غیبت طولاند خواهد داشت. ۹۱

۱۱- هنگام ظهورش اسلام جهان گیر خواهد شد. ۲۷

۱۲- حضرت زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. ۱۳۲

علی محمد شیرازی راجع به حضرت مهدی بارها اعتراف کرده^۲ خود را بنده حضرت معرفی مینماید. از جمله:

۱- حضرت امام حسن عسگری "ع" فرزندی به نام محمد دارد که دائم اسلام و صاحب الزمان است.^۳

۲- امام دوازدهم محمد بن الحسن العسکری است.^۴ ۳- اشراق خاوری از مبلغین بزرگ بهائی به نقل از علی محمد جمله ای نقل می کند: "من بنده امام دوازدهم محمد بن الحسن العسکری هستم."^۵

۴- اعترافات او در نوشته ای به نام "ابلاغیه الف" که ترجمه و خلاصه چند فراز از آن چنین است:

بعضی نسبت داده اند که من ادعای امامت و یا رسالت کرده ام خدا ایشان را به سبب این تهمت بکشد... عده ای دیگر نسبت باییت به من داده اند خدا ایشان را لعنت کند. از برای حضرت بقیه الله بعد از نواب اربعه دیگر نایی وجود ندارد و هر کس چنین ادعایی بکند بر همگان واجب است او را به قتل برسانند.

در این ابلاغیه وی همچنین صراحتاً می گوید: امام زمان محمد بن الحسن العسکری "ع" امام بر حق و حجت خدا می باشد.^۶

۵-۲-۱-۱- ادعاهای علی محمد شیرازی:^۷

باییت^۸

^۱ از آنجا که یکی از ایرادات این مسلک این مسئله است لازم است مطالبی ارائه گردد: در تورات ده ها نفر در بین میسحیان علاوه بر اعتقاد به طول عمر پیامبران و افرادی در قرون گذشته به طول عمر وزنده بودن حضرت عیسی "ع" نیز اعتقاد دارند و در قرآن طول عمر نوح "ع" قبل از طوفان ۹۵۰ سال ذکر شده (سوره عنکبوت آیه ۱۴) در سوره صافات آیه ۱۴۳ نیز بیان می کند که: اگر یونس "ع" از تسبیح کنندگان نبود تا روز قیامت وی را در شکم ماهی نگه می داشتیم. ضمن اینکه دلیلی علمی بر محال بودن طول عمر وجود ندارد. ر.ک: مهدی کریمی، **بهائیت از ادعا تا واقعیت**، پیشین، ص ۱۶-۱۷.

^۲ اگر کسی بگوید این اعترافات را به زور از وی گرفته اند، در جواب میگویم: فرضاً اینطور هم باشد اشکال وارد میشود که: بها یکی از ادله حقانیت باب و صحت ادعایش را استقامت او و یارانش می داند. ر.ک: حسین علی نوری (بها)، کتاب مستطاب **ایقان**، طبعت الموسوعات بیاب الشعریه بمصر سنه ۱۳۱۸هـ ۱۹۰۰م، ص ۱۹۷.

^۳ **صحیفه عدلیه**، ص ۲۷.

^۴ **بیان فارسی**، بخش توضیح لغات و اصطلاحات، ص ۵.

^۵ اشراق خاوری، **و حقیق مختوم**، ج ۱، ص ۲۲ در بعضی چاپ ها ص ۳۴.

^۶ فاضل مازندرانی، **اسرار الآثار**، ج ۱، صص ۱۷۹-۱۸۲.

^۷ ادله (!) بها در صحت ادعا های باب: ۱- استقامت او ۲- غلبه سلطنت او در اندک مدت در همه سرزمین ها ۳- حکایت خیلی از صاحبان قلوب صافیه از او ۴- انتشار رشحات علمی از آن بحر علم لدنی که جمیع ممکنات را احاطه نمود با آنکه در جمیع بلاد علما و اعزه با او مقابله می کردند. ۵- همین رد و سب و لعن اهل ارض براو. ر.ک: **ایقان**، پیشین، صص ۱۹۷-۲۰۰.

^۸ در **صحیفه عدلیه** ص ۴۱ نام اهل بیت اطهار "ع" را آورده خودش را باب معرفی می کند حتی می گوید در اذان بگویند اشهد ان علی قبل نبیل باب بقیه الله الله. مبدأ سال بهائی همین سالی بود که علی محمد ادعای باییت کرد. طبق مقدمه **صحیفه سجاده** به مبدأ سال هجری را خدا توسط جبرئیل مشخص کرده است. به نقل از cd بهائدت، استاد مردانی. در این سال - ۱۲۶۰- که در این سال، بها ۲۸ ساله بوده که در پی تبلیغ نخستین پیرو باب، ملاحسین شرویه ای معروف

(نیابت خاصه امام مهدی "عج")^۱، بنده قائم، قائمیت^۲، رسالت و نبوت^۳ (البته عبدالبها نبوت و قائمیت باب را انکار کرد است.)^۴، الوهیت (خدائی)^۵ و برتر از همه انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار.^۶

برخی از منابعی که به ادعای الوهیت علی محمد اشاره کرده اند عبارتند از:

۱- ان علی قبل نبیل ذات الله و کینونته.^۷

۲- خطاب به صبح ازل (یحیی برادر بها و جانشین باب که خود بها هجده سال تابع و مرید او بوده است.)^۸: «اللهم بسم الله الازل الازل اننی انا الله لا اله الا انا الواحد الوحيد اننی انا الله لا اله الا انا الاحاد الاحید اننی انا الله لا اله الا انا الصماد الصمید اننی انا الله لا اله الا انا الفواد الفرید...»^۹

۳- پس از این ادعای الوهیت میرزا حسینعلی بهاءالله آن را تأیید و تصویب کرده می نویسد: «همان حضرت باب که شما او را رب اعلی می دانید...»^{۱۰}

۴- عباس افندی نیز الوهیت شهودی دانسته آن را پذیرفته است.^{۱۱}

آنچه علی محمد شیرازی در این مقطع از بابت تا قائمیت و از خاتمیت تا الوهیت به زبان آورده چیزی نیست که بدون تأثیرپذیری از مسلک های ضد دینی باشد.^{۱۲}

۵- «... هر چند حتی در زمان حیات خود باب نیز در رابطه با مسئله مرجعیت در درون نهضت مشکل وجود داشت و تئوری های متأخر ظهور خداوند موجب شده بود تا عده های به ادعاهای متضاد، نوعی الوهیت دست بزنند.»^{۱۳}

به «باب الباب» در شمار نخستین گروندگان به باب در آمد. برادرش میرزا یحیی نیز بر اثر تبلیغ وی به این مرام (بابی) پیوست. ر.ک: **دانشنامه جهان اسلام**، ص ۷۳۳ - ۷۳۴، به نقل از: نبیل زرنندی، ص ۹۱۸۵ و حاجی میرزا کاشانی، **مقدمه براون**، ص لج.

(عبدالبها مقام پدرش را «احدیت ذات هویت وجودی» خوانده است) و قبر او قبلة آنان شد. **راهنمای ادیان زنده**، ص ۱۲۰۶، به نقل از حاجی میرزا کاشانی، **مقدمه براون**، ص م ب.

۱. ر.ک: علی رضا روزبهانی بروجردی، **در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت)**، پیشین، ص ۷۲. به نقل از عبد الحمید اشراق خاوری، **رساله امر و خلق**، ص ۵۵۳.

۲. همان، ص ۷۳. به نقل از: فاضل مازندرانی، **ظهور الحق**، ج ۳، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۳. همان، ص ۷۴. به نقل از علی محمد شیرازی، **دلایل سبعة**، ص ۲۹.

۴. ر.ک: سید محمد باقر نجفی، **بهائیان**، پیشین، ص ۲۱۵.

۵. فلاسفه غرب هم اوصافی برای خدا قائل اند که صدق آن اوصاف بر انسان محال است. ر.ک: محمد محمد رضائی و دیگران، **جستارهایی در کلام جدید**، سمت، قم، چاپ دوم، ص ۴۹.

۶. حسینی طباطبایی، سید مصطفی، **دانشنامه جهان اسلام**، دایرة المعارف اسلامی، ج ۱، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۹ به نقل از **بیان عربی**، ص ۱.

۷. نبیل به حساب ایجاد میشود محمد لدامنظور علی محمد است.

۸. سایت بهائی پژوهی، پژوهشی پیرامون بهائیت، مناظرات، **دعوی الوهیت**، به نقل از **لوح هیکل**، ص ۵.

۹. به نقل از cd بهائیت، استاد مردانی.

۱۰. **بدهیع**، ص ۴۱۲.

۱۱. باقر نجفی، **بهائیان**، پیشین، ۲۱۲.

۱۲. **تاریخ صدرالصدور**، ص ۲۰۷.

۱۳. علی امیر مستوفیان، **رهبران ضلالت**، مولف، تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۴۸۸.

۱۴. هیلنز، جان ر، **راهنمای ادیان زنده**، ترجمه عبدالکریم گواهی، ج ۲، چ دوم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵۶.

۶- «بایست و بهائیت از جمله فرقه‌هایی هستند که در قرن ۱۹ بوجود آمده و رهبران آن مدعیات عجیبی از نیابت خاصه امام عصر گرفته تا قائمیت و رسالت و حتی خدایی یدک می‌کشند.»^۱
«در [سال] ۱۲۶۴ باب ادعای ربوبیت کرد یعنی که پروردگار عالمیانم.»^۲ میرزا ابوالفضل گلپایگانی نیز با استناد به آیات "یوم یأتی ربک أو بعض آیات ربک" و "و جاء ربک والملائکة صفا" مقام ربوبیت را برای باب ثابت می‌کند.^۳

۵-۲-۱-۲- ادعاهای حسین علی نوری:^۴

عبد خدا، من یظهره الله،^۵ مظهریت (هرچند در عباراتی مانند: "ذات ازلی ظهور یافته است."،^۶ این مطلب به نظریه تجسد و حلول نزدیک می‌شود.)،^۷ نبوت (آنهم ختم نبوت)،^۸ الوهیت^۹، خالق خدایان،^۹ در سایه ادعای الوهیت، ادعای یفعل ما یشائی را می‌کند ۱۰ و در سایه آن ادعای قبله بودن ۱۱ اگر هم گفته شود که در زمان حیات شما قبله، متحرک است، در جواب گوید:

۱. ایام، ص ۴.

۲. همان، ص ۶۴.

۳. ابوالفضل محمد بن محمد رضا الجرفادانی، *الفرائد فی بیان وجوه اقسام الدلیل والبرهان و جواب مسائل انتقد بها حضرة الشیخ عبد السلام علی أهل الیقان*، قاهره، ۱۳۱۵ ه. ق.، صص ۱-۲.

۴. ... میرزا حسینعلی دعاوی چندی داشت که هر کجا به تناسب موقع و مقام و شخص طرف خطاب، یکی از آنها را مدعی می‌شد. گاهی خود را مصداق «من هیچم و کم ز هیچ هم بسیاری» می‌دانسته و زمانی یا از اریکه الوهیت هم فراتر نهاده خویشتن را خدای خدایان و آفریننده پروردگاران می‌خوانده است. ر. ک: زاهد زاهدانی، سید سعیده، *بهائیت در ایران*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دوم، تابستان ۸۱، صص ۱۰۸-۱۱۴.

۵. هفت سال پس از بازگشت مجدد به بغداد در باغ نجیب پاشا ادعای من یظهره اللهی که در کتاب باب بود را کرد که اولین مخالف وی برادرش یحیی بود که بهائیان به وی لقب «اول من أعرض عن الله» دادند. ر. ک: *الکواکب الدرّیه*، ج ۱، ص ۲۵۷ و *رحیق مختوم*، ج ۱، ص ۱۹۶.

۶. *راهنمای ادیان زنده*، ج ۲، ص ۱۱۶۵.

۷. *ایقان*، پیشین، ص ۱۳۶.

۸. این جماعت [بهائیان] مدعی‌اند که در هر مذهبی شمه‌ای از حقیقت موجود است [پلورالیسم دینی] زیرا تمام انبیاء شاهد یک معنی و طالب یک حقیقتند و بهاء الله مظهر کامل آن حقیقت است. "ر. ک: ناس، جان، *تاریخ جامع ادیان*، پیشین، ص ۷۹۱.

یکی از ادعاهای بهائیان هم همین است ولی قرائن مختلفی به چشم می‌خورد که خلاف آن نظر را می‌رساند. نمونه‌هایی از آن قرائن با نیم‌نگاهی به کتاب اقدس ذکر می‌گردد:

«انّ اول ما کتب الله علی العباد عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذی کان مقام نفسه فی عالم الامر و الخلق من فاز به قد فاز بكل الخیر و الذی منع من اهل الضلال ولو یأتی بكل الاعمال.»

نخستین چیزی که خدا بر بندگان واجب فرموده شناخت کسی است که محل تابش وحی الهی و محل طلوع امر او قرار گرفته است یعنی همان که در عالم امر عالم خلق به منزله خود او یعنی خداست! هر کس به این عرفان دست یافت به همه خیرها دست یازیده است و هر کس از این عرفان محروم شد یا خود را محروم ساخت از اهل گمراهی است.

مفهوم اولین عبارت کتاب مقدس بهائیان (کتاب *اقدس*) این است که همه گمراهند جز بهائیان توضیح مطلب و پنج اشکال وارد شده به این بیان میرزا حسینعلی در همان مقاله وارد شده که ذکرشان خارج از حوصله مقاله است. ر. ک:

. Ir. bahairesearch. عنوانین آخرین مقالات، *نگاهی به کتاب اقدس*، (پنج‌شنبه ۲۵ بهمن، ۱۳۸۶).

۹. قصیده ورقانه، *مکاتیب*، ج ۲، ص ۲۵۴ (کل الألوه من شرح امری تألهت و کل الربوب عن تفتح حکمی تربت)

یعنی همه خداهای از قطره‌های کوچک فرمان من به خدائی رسیدند و همه پروردگاراها از زیادی و ریزش حکم من به ربوبیت نائل آمدند.

۱۰. *اقدس*، ص ۲، چاپ بیئی، سنه ۱۳۱۴، (الذی کان مقام نفسه فی عالم الامر و الخلق) و *اشراقات*، ص ۱۷. (حتی جل جلاله با علم یفعل ما یشاء آمده).

۱۱. *اقدس*، ص ۳ و ۴.

اگر بها درباره آب، حکم باده را صادر کند و درباره آسمان، چون زمین حکم کند و درباره نور مانند آتش فتوی دهد همگی درست است و شک در آن نیست و هیچ کس را نرسد که به آن اعتراض کند یا چون و چرا نماید.^۱

آدرس اسناد و مدارکی که استشمام بوی من یظهره الهی یا دعوی خدایی میرزا را مسلم و محرز کرده‌اند که مؤلف کتاب بهائیان به استناد به منابع بهائی آنها را جمع آوری کرده‌اند،^۲ عبارتند از:

۵-۲-۱-۱-۲-۱- تصریحات حسینعلی میرزا:

مبین، ص ۲۸۶- ۳۴۲، ۳۰۸، ۵۶، ۲۱۰، ۲۳۳، ۴۱۷، ۴۰۵، ۲۱ و ۴۸.

مائده آسمانی، ج ۴، ص ۳۴۴، و «رسالة ایام تسعه» ۵۰ همان، ص ۵۵.^۳

ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۳، همان، ص ۲۵ که از کلام میرزا در این کتاب معلوم می‌شود که ذکر زبان ایشان همیشه انا الله لا اله الا انا بوده است.

رساله ایام تسعه، ص ۵۰، همان، ص ۳۰۸، مجموعه مبارکه (از جمله زیارت‌نامه‌هایی که میرزا بها جهت بهائیان نوشته است).

ادعیه حضرت محبوب^۴، ص ۱۲۳، کتاب بهاءالله، ص ۲۴۰.

بدیع، ص ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۴۱، ۱۵۴، ۲۳۲.

الالواح بعد اقدس، ضمیمه کتاب «اقدس»، ص ۷۶.

اشراقات، ص ۵۲.

الالواح بعد اقدس، ص ۹۹.

اقدس، ص ۳۸.

مکاتیب، ج ۲، ص ۲۵۴ (کل الألوه من رشح امری تألهت و کل الربوب عن نفع حکمی تربت)

۵-۲-۱-۲-۲-۱- تصریحات عباس افندی:

مکاتیب، ج ۱، ص ۲۲۵ و ۲۵۴.

مکاتیب، ج ۲، ص ۲۴۵، ۲۵۱، ۲۵۴ (تحت همین مطلب، مؤلف کتاب "بهائیان" با ارائه سند این مطلب را که عبدالبها هم داعیه خدایی در سر داشته را بیان می‌کند).

مکاتیب، ج ۱، ص ۵۰۴، ج ۳، ص ۴۰۴، ۲۰۷، ۲۶، ص ۳۰، ش ۸، ص ۶۲، خاطرات ۹ ساله، ص ۱۰۷، مائده آسمانی، ج ۳، ص ۶۰.

^۱ اشراقات، ص ۵۸.

^۲ در بسیاری از منابع ادعای الوهیت آنها مطرح شده است از جمله ر. ک: بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، مهرام، تهران، ۱۳۸۲، چاپ دهم، ص ۳۸۹. عزالدین رضائزاد، فصلنامه علمی - تخصصی انتظار موعود، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۵۴۰-۵۴۵ به نقل از اشراقات، ص ۱۴۷.

^۳ (در دعای شب تولد بها: قیا حبذا من الفجر الذی فیه استوی جمال القدم علی عرشه اسمہ الاعظم العظیم وفیه ولد لم یلد ولم یولد، ایام تسعه، و اشراق خاوری، چاپ ۱۲۷ بدیع، ص ۵۰. به نقل از cd بهائیت، استاد مردانی).

^۴ اللهم إنی استلک من شعراتک (ریش هایت) التي یتحرک علی صفحات الوجه کما یتحرک علی صفحات الالواح قلمک الاعلی. ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۲۳. به نقل از cd بهائیت، استاد مردانی.

۵-۲-۱-۳- تصریحات مبلغان بهائی که مورد تصویت [تصویب] بهائیت است:

مجله اخبار امری، نشریه محفل ملی بهائیان ایران، سال ۱۳۴۹، ش ۱۴، ص ۴۰۶.

بهجة الصدور، ص ۳۳۹.

گنجینه حدود و احکام، ص ۴۰۲، «بهاء الله»، ص ۱۰، تذکره شعرای بهائی، ج ۳، مقدمه نقطه الکاف، تنبیه النائمین، ص ۷۳.

دروس الدیانه، درس ۱۹، (منظور از اسم اعظم طبق تصریح قائنی در همین کتاب، ص ۷، میرزا حسینعلی بهاست).

مجله اخبار امری، نشریه محفل ملی بهائیان ایران، شماره ۶، مهر ماه ۱۳۸۲.

لازم به ذکر است که بهائیان به ظاهر می گویند ادعای بها رجعت مسیح "ع" و رجعت حسین "ع" است ولی در حقیقت ادعای او ادعای الوهیت است.^۱ یکی از نجات یافتگان چنین می گوید: «بهائیان خدا را به فرمان خود بها^۲ به نام بها می پرستند. و بها و باب را پیامبران خدا و صاحب زمان می دانند و بها را به اندازه خدا و گاهی فراتر از خدا می پرستند. همه دعا و نیایش و راز و نیازشان خطاب به بها و عبدالبهاست.»^۳

۵-۲-۱-۳- جواب بهائیان از اشکالات:

بها می گوید: هر چه ادعا کنیم از الوهیت

در بوبیت، نبوت، رسالت، امامت، ولایت و عبودیت همه حق است چون ما مظهریم. ۴. او هر چه ما گفتیم ولو مخالف

فهم علما و کتاب باشد کسی حق چون و چرا ندارد چون ما معدن علمیم. ۵.

خواندن کتاب های ضد بهائیت برای بهائیان به شدت ممنوع است. در جواب شبهات گاهاً این طور جواب می دهند

که کافی است که ما فقط جمال مبارک [میرزا حسینعلی] را بشناسیم و از عشق او سرمست شویم. آفتاب آمد، چه

دلیلی بهتر از این؟ بهائیان را فقط عاشق (عاشق بهاء و عبدالبهاء) بار می آورند نه عاقل.^۶

اگر بها درباره آب، حکم باده را صادر کند و درباره آسمان، چون زمین حکم کند و درباره نور مانند آتش فتوی

دهد همگی درست است و شک در آن نیست و هیچ کس را نرسد که به آن اعتراض کند یا چون و چرا نماید. ۷.

یکی از دستورات تشکیلات بهائی این است که اگر از علت بهائی شدن سؤالی از شما کردند بگویند تفتیش عقاید

ممنوع و حق بحث کردن ندارید و از دین نباید حرفی بزنید در حالی که در تبلیغ دینشان این شعار را سر

نمی دهند.^۱

۱. ر.ک: عزالدین رضائزاد، فصلنامه علمی - تخصصی انتظار موعود، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۵۴۳. به نقل از کشف الحیل مرحوم آیتی، ج ۱، صص ۵۵ - ۵۶.

۲. حسینعلی این اسم را از دعای سحر گرفته است. ر.ک: احمد زمریدیان، معارف الهی (شرح دعای سحر)، کتابفروشی شفیعی، شیراز، ۱۳۵۵، ص ۳۲؛ یحیی هم اسم صحی ازل را از حدیثی از امیرالمؤمنین گرفته است. ر.ک: اعتضاد السلطنه، فتنه باب، پیشین، ص ۲۰۵.

۳. مهناز رئوفی، سایه شوم، پیشین، ص ۱۷.

۴. یقان، پیشین، ص ۱۵۱.

۵. همان، ص ۱۵۲.

۶. همان، صص ۴۹-۵۱. در مسیحیت نیز آنگاه که از تبیین عقلانی تلیث عاجز می گردند می گویند ایمان بیاور تا بفهمی!

۷. اشراقات، ص ۵۸.

در توجیه اشکالات می گویند: برای امتحان ماست.^۲

با استاد به "مظهریت" دو پاسخ به شبهه الوهیت بهاداده شده است: آنها در این سناریو این چنین مقدمه چینی می کنند:

۱. مقام حضرت بهاء الله در چنان رتبه ای است که کسی نمی تواند به آن پی ببرد؛
 ۲. ما چون نمی توانیم خدا را بشناسیم: «بنابراین حضرت بهاء الله کسی هستند که در عالم امر و خلق به جای خدا هستند.»؛
 ۳. بنابر نص کتاب اقدس^۳: «ان اول ما كتب الله على (العباد را شما جا انداخته اید) عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذی كان مقام نفسه فی عالم امر و الخلق...» یعنی نخستین چیزی که خداوند برای بندگان واجب فرموده است، شناختن مشرق وحی و مطلع امر است که مقام خود خدا در عالم امر و خلق است؛
 ۴. حضرت بهاء الله در عالم امر و خلق خداست ولی در عالم حق خدا نیست.
- در مورد مقام حضرت بهاء الله استغفار لازم است زیرا خلق به عالم امر پی نبرد زیرا رتبه او بالاتر است و ما پایین تر همان طور که امر نمی تواند به عالم حق و ذات لایدرک پی برد.
- یکی از اصول بهایی این است که هیچ رتبه ای نمی تواند رتبه مافوق خود را ادراک کند.^۴ نبات به ادراک حیوان نمی رسد، حیوان به ادراک انسان و به همین ترتیب انسان هم نمی تواند به ادراک مظهر امر الهی برسد و مظهر امر نیز نمی تواند به ادراک خدا برسد. حضرت محمد نیز می گویند: «ما عرفناك حق معرفتك» تو را آن طور که حق شناختن توست نشناختیم (کتاب اربعین از شیخ بهایی) در نتیجه ما هم نمی توانیم مظاهر امر الهی را بشناسیم و هر چه بگوییم خطا کرده و گناهکاریم...^۵
- در استدلال دیگر چنین آمده:
- آدمین محترم سایت ساغر که نهایتاً مغلوب شده بودند بالاخره با عصبانیت اعلام کردند که بله ما حضرت بهاء الله را خدا می دانیم. سه عالم داریم؛ عالم خلق، عالم حق و عالم لایدرک. حضرت بهاء الله خدای عالم خلق و حق هستند و عالم لایدرک متعلق به خداوند قادر غیر قابل درک است و حتی مظاهر ظهور هم قادر به درک آن عالم نیستند!^۶

۱. همان، ص ۲۱.

۲ صبحی، پیام پدر، نسخه الکترونیکی، ص ۱۵-۱۶.

۳. (مهمترین کتاب فقهی بهائیان است که) نزول کتابت آن در اواخر سال ۱۲۸۷ یا اوایل ۱۲۸۸ ه.ق. بوده و محل نزولش در بیت عبود بوده است. اشراق خاوری، گنجینه حدود و احکام، (نسخه الکترونیکی) ص ۱.

۴. مکاتیب، جلد ۳ و هم چنین در کتاب **مفاوضات**، به نقل از bahaireserch. ir، عناوین آخرین مناظرات، **حضرت بهاء الله خدای خدایان!** (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵).

۵. bahaireserch. ir، عناوین آخرین مناظرات، **حضرت بهاء الله خدای خدایان!** (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵).

۶. سایت بهائی پژوهی، عناوین آخرین مناظرات، **دعوی الوهیت**، پنج شنبه خرداد ۱۳۸۷.

در مورد معنای خاتم النبیین، مقصود حضرت از آن حدیث (البته آیه است) نشان دادن ترقی امت اسلامی و
افضلیت ائمه هدی از انبیاء بنی اسرائیل است.^۱ و توجیهاات دیگر.^۲

۵-۲-۱-۴- پاسخ :

با آنکه باب و بها تأویل را حرام می دانند^۳ علما و مبلغین بهائی و خود باب و بها بسیار تأویل و توجیه نموده اند. شاید یکی از ادله اینکه بهائیت را آیین تضاد و تناقض می نامند همین امر باشد.^۴
در مورد مظهریت، بها می گوید: "مظهري أعظم از انبیاء نبوده و حجتی هم اکبر و أعظم از آیات منزله در أرض ظاهر نشده"^۵ و علت صحت ادعا هایش را همین مظهریت دانسته است. مبلغین بهائی هم در توجیه ادعاهای باب و بها مخصوصاً در مورد ادعای الوهیتشان به همین مطلب پناه آورده اند.^۶ چند سؤال:

۱- چه کسی می تواند چنین ادعایی کند؟ نشانه ها و ادله صحت ادعا چیست؟ آثار وجودی و اعمال و رفتار شخصی که ندای "انا الحق" سر میدهد با ادعایش باید با هم لحاظ شود که آیا سختی بین مدعی و مدعی هست یا خیر؟ یا به عبارتی آیا مقام فنا بالاتر است - اگر رسیده باشد واقعا - یا مقام بقاء بعد الفناء؟
۲- فرضاً بها مظهر باشد در صورت تعارض بنیادین گفته های وی با مظهران دیگر مثلاً - به گفته خود بها - علی محمد شیرازی در مورد جانشینی یحیی یا مثلاً دستور باب به آتش زدن همه کتب غیر از بیان^۷ یا حتی با گفته های خودش در موارد متعدد و از همه مهمتر در تعارض با فرمایشات انبیا - که به قول بها مظهري أعظم از آنها وجود ندارد - تکلیف چیست؟

۳- حد ادعای یک مظهر کجاست؟ آیا مظهر می تواند ادعای خدای خدایان و خالق خدایان کند؟
جلوه خدا در این سخن را لطفاً بفرمایید یعنی چه: همه معبودها از ترشح امر من معبود شده اند و همه خدایان سرریز و زیادی امر من خدا شده اند، جلوه خدا را در این سخن توضیح دهید.^۸
اما پاسخ دو توجیه الوهیت با تمسک به "مظهریت":

۱. گلپایگانی، **فرائد**، پیشین، ص ۳۱۲.

۲. بها مباحثی مانند خاتمت پیامبر "ص" را - العیاذ بالله - مزخرف دانسته می گوید: معنای آنرا "الراسخون فی العلم" - منظورش خودش است - می داند.

۳. **ایقان**، پیشین، صص ۱۷۹-۱۸۳.

۴. ر.ک: مهدی کریمی، **بهائیت از ادعا تا واقعیت**، ص ۵۶ (در نسخه الکترونیکی بقیه آدرس کتاب رکر نشده است.) به نقل از: علی محمد، **بیان**

فارسی، ص ۲۰۱: "اذن نیست از برای احدی که تفسیر کند به آنچه در بیان نازل شده". در کتاب گنجینه حدود و احکام بخش مستقلی تحت عنوان "در نهی از تأویل کلمات الهیه" مذکور است.

۵. گلپایگانی مطالب کتب مقدسه الهیه را به سه دسته احکام و شرایع و سنن، ذکر حوادث ماضیه و ذکر حوادث آتیه تقسیم کرده تأویل را در قسم آخر جایز می داند. ر.ک: گلپایگانی، **فرائد**، پیشین، صص ۳۵۳-۳۵۴. گرچه فهم معانی آیاتی که ذکر حوادث آتیه میکنند را خارج از توان همه مردم و علما و فلاسفه دانسته با استناد به آیات و روایاتی مختص امی غیر متألمی که نازل از حضرت احدیت است و نیز قائم موعود میدانند. ر.ک: همان، ص ۳۶۱.

۶. **ایقان**، پیشین، ص ۱۷۲.

۷. bahaireserch. ir، عنوانین آخرین مناظرات، **حضرت بهاء الله خدای خدایان!** (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵).

۸. باب **بیان فارسی**، ص ۱۹۸.

۹. bahaireserch. ir، عنوانین آخرین مناظرات، **حضرت بهاء الله خدای خدایان!** (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵).

آنها از یک سو از اقدس نقل می‌کنند که نخستین چیزی که بر بندگان واجب است شناخت بهاء الله است و از سویی دیگر از این که بهاء الله را بشناسند استغفار می‌کنند!^۱

جواب استدلال دوم: ۱. اگر آن عالم قابل درک نیست چگونه کشف شده و چگونه فهمیده‌اند که غیر قابل درک است. خود این فهمیدن هم نوعی درک است؛ ۲. مخالف توحید است؛ ۳. مخالف گفته خوب باب و بها است. ۲. در مورد ادعای رجعت حسین "ع" از سوی بها، خواهرش (عزیه خانم) ضمن بیان برخی از جنایات بهائیان، چنین می‌گوید:

«...چنان که بعضی از مؤمنین دین بیان، عدول کرده این بیت را انشاء نموده در محافل می‌خواندند و می‌خندیدند:

اگر حسینعلی، مظهر حسین علیست هزار رحمت حق بر روان پاک یزید!^۳

و می‌گفتند که ما هر چه شنیده بودیم حسین "ع" مظلوم بوده است نه ظالم.^۴

در مورد ادعای من یظهره اللهی بها زکر مطالب ذیل مکفیت:

ادعای من یظهره اللهی در پنج اثر از بایان ۵ به دلایل زیر باطل دانسته شده رد گردیده است:

۱. آنگاه که باب، اذن طهارت نطفه را صادر کرد، میرزا حسینعلی [سنی] در حدود ۳۲ سال داشته بنا بر این او نمی‌توانسته پیامبر موعود باب یا من یظهره باشد.

۲. آنگاه که محمدعلی دستور صادر کردند که کودکان را تویخ نکنید و بعد از بلوغ هم بیش از پنج ضربه خفیف بر آنها نزنید مبادا که من یظهره الله در میان ایشان باشد و دردمند و اندوهناک شود، میرزا حسینعلی دو سال از خود باب هم بزرگتر بود پس او نمی‌تواند من یظهره الله باشد.

۳. علی محمد توقیعی نوشت و دستور داد تا آن را در مکتب‌خانه‌ها بیاویزند تا مگر من یظهره الله آن را بخواند. قسمتی از ترجمه توقیع:

«و این کتابی است از سوی خدای گواه و کارگزار به سوی خدای چیره و دوست داشتنی (با این پیام) که کتاب بیان و هر چه در آن است هدیه‌ای از طرف من به تو می‌باشد در حالی که من یقین دارم که هیچ معبودی جز تو نیست.»!

^۱. همان.

^۲. سایت بهائی پژوهی، عنوان آخرین مناظرات، **دعوی الوهیت**، پنج شنبه خرداد ۱۳۸۷.

^۳. این شعر را شخصی معروف به سید عبادوز در داستان استخدام چاقوکش‌ها توسط حسینعلی برای کشتن پیروان یحیی سروده است که بعدها سید عبادوز نیز از او بهائیت عدول کرده شیعه می‌شود. این شعر در بسیاری از منابع ذکر شده از جمله **بهائیت چگونه پدید آمد**، ص ۲۸۹.

^۴. مصطفی حسینی طباطبائی، **ماجرای باب و بها**، پیشین، ص ۱۵۲، به نقل از **تنبیه النائمین**، صص ۱۵ - ۱۶.

^۵. رساله علی محمد اصفهانی، **رساله ملا رجعلی قهیر**، **تذکره الغافلین** محمد جعفر نراقی، نامه‌های سید محمد اصفهانی ملقب به «أبا وحید» در رد ادعاهای

بها و رفتار و کردار او که میرزا مصطفی کاتب بایی آنها را به صورت یک جلد در می‌آورد. و رساله **تنبیه النائمین** اثر عزیه خانم، خواهر بزرگ میرزا حسینعلی جالب توجه است که همگی نویسندگان مذکور بجز عزیه خانم - که رساله‌اش در شناخت میرزا حسینعلی اهمیت بسزایی دارد به قتل رسیدند و نمی‌توان باور کرد که میرزا حسینعلی از این کشتارها بی‌خبر بوده مخصوصاً با توجه به نوشتار عباس افندی در رساله خود به عمه‌اش عزیه خانم می‌نویسد:

«(پدرم) با وجود اینکه وحید و فرید بود و ناصر و معینش معدود ضعیف، زلزله در ارکان عراق انداخت و اهل نفاق [آن دسته از بایان که از حسینعلی رویگردان شدند] را همیشه خائف و هراسان داشت. سطوتش چنان در عروق و اعصاب نفوذ نموده بود که نفسی در کربلا و نجف در نیمه شب جرأت مذمت نمی‌نمود و جسارت بر شناخت نمی‌کرد.» (**مکاتب عبدالبهاء**، ج ۲، ص ۱۷۷).

البته مجوز بهائیان هم شاید این سخن میرزا حسینعلی باشد که در **لوح احمد** گفته: «کن کشعله النار لأعدائی! با دشمنان من، همچون شعله آتش باش.»

علی محمد هنگامی این سخنان را نگاشته که حسینعلی مردی ریش و سیل دار بوده و به ادعای خودش، حتی در کودکی هم به مکتب‌خانه نرفته است! پس ادعای من یظهره الهی از سوی وی دروغی آشکار است.

۴. علی محمد به یحیی وصیت کرد که بعد از من آیاتی که خدای تو بر قلبت القا می‌کند را بر خوان که تذکاری از سوی خدا بوده و او همان (خدای) گواه و کارگزار است.^۱

از سوی دیگر یحیی اولین تکذیب‌کننده میرزا بود پس چطور می‌تواند موعود کتاب بیان باشد در حالی که تکمیل‌کننده کتاب بیان او را کاذب شمرده است؟

مؤلف کتاب گرانسنگ "بهایان" در این زمینه چنین می‌نویسد:

«دانشیم که حسینعلی میرزا و مریدان بهائیش، نه تنها هیچ‌گونه دلیلی مبتنی بر شواهد و نصوص موثق جهت اثبات دعوی من یظهره الهی ارائه ندادند بلکه با محو آثار و جعل مدارک، این عدم تجانس میان «بیان» و «بها» را دو چندان کردند و بر اثر منازعه «من یظهره الله‌ها» خدایع مستور کشف و فجایع منفور هویدا گشت.»^۲

اعترافات باب و بها به خاتمیت پیامبر "صلی الله علیه وآله":

۱- علی محمد شیرازی (باب) در مورد اسلام می‌گوید: "این شریعت مقدسه نسخ نخواهد شد بل حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه."^۳

۲- اشراق خاوری در توضیح آیه ۴۰ سوره احزاب (ما کان محمد أباً أحد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیماً) از قول میرزا حسینعلی (بها) می‌نویسد که: رسالت و نبوت به وجود حضرت محمد ختم گردیده است.^۴ و پاسخ‌های دیگر.^۵

۵-۲-۲- معاد

آنچه از بررسی منابع بهائی به دست آمده^۶ این است که: از آنجا که معاد را موهوم میدانند، فقط معنای تأویلی آن را که قبلاً ذکر شد را مطرح کرده قبول دارند.

۵-۳-۱- ادله چهارگانه بهائیان و انتقادات وارد بر این ادله:

قبل از پرداختن به بحث فوق تذکر چند مطلب ضروری است:

۱. خلاصه پنجاه کتاب مهم عقیدتی و احکامی بهائیت به همراه نقد آن مطالب، در کتاب با ارزش «محاكمه و بررسی باب و بهاء» به قلم ح. م. ت.^۱ در یک جلد موجود است؛

^۱ ر.ک: آخر بیان، فراسی، ص ۳۳۰، به نقل از: پژوهشی نو و مستند درباره بهاییگری (ماجراب باب و بها)، مصطفی حسینی طباطبایی.

شیوه برخورد بهائیان با افکار مخالفان خودشان برای کسانی که در این زمینه اندک مطالعاتی داشته باشند روشن است. گوشه‌ای از آنها ذکر شد و نمونه‌ای از برخورد فعلی آنها تحریم سایت بهائی پژوهی از سوی سران بهائیت است. (سایت بهائی پژوهی، عناوین آخرین مقالات، جرم بهائی پژوهی چیست؟)

^۲ سید محمد باقر نجفی، بهائیان، مشعر، قم، ۱۳۸۲، ج اول، ص ۴۰۱.

^۳ صحیفه عدلیه، ص ۵، به نقل از ماهیت باب و بها، ص ۱۴ (در نسخه الکترونیکی بینا، تا و جا ست). WWW.KRBAHAIAT.BLOGFA.COM

^۴ عبد الحمید اشراق خاوری، ریحیق مختوم، ج ۱، ص ۷۸ و قاموس توقیع، ج ۱، ص ۱۱۴. به نقل از ماهیت باب و بها، پیشین، ص ۱۴.

^۵ ر.ک: محلاتی، گفتار خوش یارقلی، پیشین، صص ۱۳-۱۵. ور.ک: مهدی کریمی، بهائیت از ادعا تا واقعیت، پیشین، صص ۱۲-۱۳ و ص ۴۷.

^۶ سی و چهار منبع را تماماً بررسی کردم، حاصل بررسی‌های دیگر محققین را که جويا شدم نیز به همین نتیجه رسیده بودند.

۲. از دیگر کتبی که برخی از عقاید و سخنان و سوابق باب و بها را از چهل و شش مأخذ بابی و بهائی نقل و سپس انتقاد می‌کند، کتاب ماجرای باب و بهاء نوشته مصطفی حسینی طباطبایی می‌باشد؛
۳. قوی‌ترین ادله‌ای که در دفاع از مسلک بهائیت نوشته شده کتاب فرائد ابوالفضل گلپایگانی است. گرچه تبری وی از مسلک بهائیت^۲
در واقع تبری از آن کتاب نیز هست لکن برخی از ادله مطرح شده را بررسی می‌کنیم چرا که با رد و تضعیف ادله، مدعا (حقانیت مهدویت باب و پیامبری باب و بها) نیز تضعیف و رد خواهد گردید و در این زمینه از آنجا که این کتاب کمیاب است مختصری از برخی از بررسی‌های صورت گرفته را نقل می‌کنیم:
۱. آیات قرآن؛ ۲. روایات اسلامی؛ ۳. دلیل تقریر؛ ۴. دلیل معجزه.

۵-۳-۱- استدلال به آیات :

۱. آیا انتظار آنان جز این است که خدا و ملائکه (سوار) بر پاره‌های ابر سفید به

سوی آنان بیاید؛^۳

استدلال: معنی آیه اینست که مردم انتظار نمی‌کشند مگر این را که خدا با ملائکه بر روی پاره‌های ابر بیاید و چون آمدن خداوند محال است لابد مقصود از آیه آمدن مظاهر خدا است و مظاهر جز علی محمد باب و حسینعلی بها کس دیگری نیست.

پاسخ: آیه مذکور در توییح کسانی است که هر چه ادله و معجزه از طرف پیامبران برای آنها نمایان می‌شد باز انکار می‌کردند تا آنجا که از موسی "ع" در خواست کردند تا خدا خود را به بنی اسرائیل طوری نشان دهد که آنان با چشم ظاهری خدا را ببینند آیه هم می‌گوید لابد منتظرند خدا با ملائک سوار برابر برای هدایت اینها بیاید البته این کار غیرممکن است.

این چه ربطی به مدعای گلپایگانی دارد؟ در حقیقت او برای اثبات ادعای پیامبری تمسک به ادعای دیگری کرده نه تمسک به دلیل؛ یعنی اینکه از او پرسیده شد چرا باب و بها پیامبرند؟ او می‌گوید به دلیل این که مصداق آیه‌اند و مصداق این آیه بودن خود ادعای دومی است نه دلیل بر ادعای اول.

۲. گوش کن در روزی که ندا کننده از مکان نزدیکی ندا می‌کند. روزی که فریاد را می‌شنوند به حق آن

روز خروج است؛^۴

استدلال: مفسرین از اهل تسنن و اهل تشیع متفقاً در تفسیر این آیه فرموده‌اند که ندای الهی از صخره بیت المقدس بلند می‌شود یعنی از جبل کرم که در تورات به جبل مقدس و جبل بیت‌الله از آن تعبیر شده است.

۱. در چاپ جدید سه جلدی، نام مولف علامه مصطفوی درج شده است.

۲. ر.ک: صبحی، صص ۳۰۴-۳۰۶. و نورالدین چهاردهی، بهائیت چگونه پدید آمد، پیشین، صص ۲۶۶ به نقل از کشف الحیل، ج ۳، صص ۲۴۳. (وبهرام

افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، پیشین، صص ۴۰۳ می‌نویسد گلپایگانی دلیلی بر حجیت بهائیت نیافته است.)

۳. بقره/ ۲۱۰.

۴. ق/ ۴۱.

پاسخ: اولاً: هیچ روایتی و در خود آیه قرینه‌ای در مورد این که مراد از «مکان قریب» صخره بیت المقدس باشد، وجود ندارد.

ثانیاً: این که همه مفسرین «مکان قریب» را آن‌طور تفسیر کرده‌اند واقعیت ندارد. اکثراً در تفسیر «مکان قریب» گفته‌اند: مکان خاصی نیست بلکه کنایه از این است که صدای منادی مذکور در آیه بر هیچ کس مخفی نخواهد ماند و همه آن را طوری خواهند شنید که هر کس در هر کجا که باشد می‌پندارد که این صدا از همان نزدیکی می‌آید. عده دیگری از مفسرین هم گفته‌اند مراد از ندا در این آیه صدایی از جانب آسمان است که قبل از ظهور مهدی موعود "عج" واقع می‌شود و نام آن حضرت و پدرش را فریاد می‌کند.

ثالثاً: بر فرض که از بین ده‌ها مفسر، یکی همان قول میرزا را بگوید یا اصلاً همه مفسرین بگویند؛ این مطلب چه ربطی به جبل کرم و شهر عکا که گلیایگانی می‌گویند دارد؟ صخره بیت المقدس سنگ معروف بزرگی است در مسجد بیت المقدس در شهر قدس. ما نمی‌دانیم چطور میرزا این صخره را تبدیل به کوه کرده و آن را هم از قدس به شهر عکا برده است؟!

۳. ﴿يَوْمَئِذٍ يُوقِيهِمُ اللَّهُ دِيْنَهُمُ الْحَقَّ﴾ در آن روز خداوند مکافات و جزای آنان را که بر اساس حق است به طور کامل خواهد داد و آنان می‌دانند که همانا خداوند حق آشکار است.^۱

قبل از بیان استدلال لازم است متذکر شویم که عقیده بابی‌ها و بهائی‌ها اینست که مهدی موعودی که در روایات وعده آمدن او داده شده است دارای دین مستقل و جدید و کتاب و سنت جدیدی غیر از قرآن و اسلام است و به همین دلیل هم ادعای مهدویت و ادعای پیامبری باب را دو ادعا نمی‌دانند چون می‌گویند مهدی در واقع یک پیامبر جدید است. که ما در بررسی استدلال گلیایگانی به روایات این مسأله را بررسی خواهیم کرد.

استدلال: و این جمله صریح است بر این که چنین ظهور عظیمی، مقام او مقام نیابت و خلافت و امامت نیست بل ظهور کلی است و مقام شاریعت و سلطنت الهیه و با این که در مقام بیان موعود، همین آیات و القاب عظیمه کافی بود معذک از برای اعدام و تنصیص بر این که در این یوم عظیم دیانت متجدد خواهد شد و شریعت جدید ظهور خواهد نمود این آیه مبارکه نازل شد یعنی در آن روز حق جل جلاله دین حق را وافیاً (یعنی به طور کمال) به خلق عنایت خواهد فرمود و این در غایت وضوح است که مقصود از این دین که در آیه کریمه وعده فرموده است که به خلق عنایت کند دین اسلام نیست زیرا که دین اسلام در ظهور حضرت رسول "ص" وافیاً نازل شد و آن حضرت کاملاً به خلق ابلاغ فرمود بل مقصود شریعت جدید است.

پاسخ: اینجا هم [مثل مورد اول و خیلی موارد دیگر] از جاهایی است که اگر این آیه به همراه دو آیه قبلش دیده شود معلوم می‌شود که معنای آیه آن‌طور که او می‌گوید نیست ترجمه دو آیه قبل با این آیه:

کسانی که به زنان با ایمان پاکدامن بی‌اطلاع (از فحشاء) نسبت زنا می‌دهند در دنیا و آخرت معلون (و محروم از رحمت حق) بوده و برای آنان عذابی بزرگ است. روزی که زبان، دست‌ها و پاهای آنان برضد ایشان به آنچه

انجام می‌دادند گواهی دهد. در آن روز خداوند مکافات و جزای آنان را که براساس حق است به طور کامل خواهد داد و آنان می‌دانند که همانا خداوند حق آشکار است.

پس اشکال وی آنست که بین معنای مختلف دین، «کیش و آیین» را گرفته در حالی که در اینجا هم مثل ﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾ به معنای «جزا» است.

۴. و اگر به دروغ برخی سخنان بی‌پایه و اساس را به ما می‌بست حتماً ما او را با دست قدرت خود می‌گرفتیم سپس رگ حیاتش را قطع می‌کردیم و هیچ یک از شما قادر به دفاع از او نبودید و این قرآن حقیقتاً موجب تذکر پرهیزکاران است.^۱ استدلال: حالا که خدا رگ حیات باب که هفت سال و بها که چهل سال کتاب‌هایی نوشتند و الواح صادر می‌کردند و صریحاً می‌گفتند اینها کلمات خداست و به غیر اذن او تکلم نمی‌کنیم پس معلوم می‌شود گفته‌های اینان بر حق بوده است.

پاسخ: [باز هم به آیات دیگر رجوع نکرده] به استناد آیات قبل مراد شخص پیامبر "ص" است. شامل دیگران نمی‌شود. زیرا در مورد دیگران قرآن می‌گوید:

ما آنهایی را که به خدا افترا ببندند و شرک بورزند تا روزی که در آن چشمها به عبرت و حسرت بنگرند، مهلت می‌دهیم.^۲ و نباید بپندارند که این مهلت به سود آنهاست و براساس این آیه نه فقط باب و بها و ده‌ها مرد دیگر که به دروغ ادعای خدایی و پیامبری می‌کردند مهلت یافتند که صدها ظالم و ستمگر مثل حجاج بن یوسف ثقفی هم مهلت یافتند. دیری است که این فلسفه که پیروز مساوی با حق است و شکست خورده مساوی باطل از هم تنیده است. [این استدلال میرزا گلپایگانی مثل استدلالی است که یزید در مقابل زینب "س" در جوابش جمله‌ای گفت با یک دنیا معنی، «ما رأیت الا جمیلاً» من در کربلا جز زیبایی ندیدم.]

۵-۳-۲- استدلال به روایات:

۱. روایاتی که در آنها گفته شده مهدی موعود با امر تازه و کتاب جدید و راه و روش نو و شیوه قضاوتی جدید قیام می‌کند. گلپایگانی ضمن ذکر این روایات در صص ۲۹۵-۲۹۷ فرائد می‌گوید این روایات به روشنی دلالت می‌کنند که مهدی موعود مقام پیامبری خواهد داشت نه اینکه ناع دین و پیامبر دیگری باشد زیرا دارای کتاب نو است که ناسخ قرآن است و دارای سنت و دین جدید که ناسخ سنت پیامبر اسلام و دین آن حضرت است.

پاسخ: این روایات را از بحارالأنوار نقل کرده در حالی که علامه مجلسی در همین کتاب صدها^۳ روایت نقل کرده که همگی آنها دلالت دارند بر این که مهدی موعود و قائم "عج" نیز مانند یازده امام قبل از خودشان جز مقام وصایت و خلافت پیامبر "ص" مقام دیگری نخواهد داشت. در همین روایاتی که گلپایگانی به آنها استدلال کرده

۱. حاقه / ۴۱-۴۵.

۲. آل عمران / ۱۷۷ و ۱۸۸.

همین مطلب ذکر شده و مطالبی درباره مهدی موعود گفته شده که به هیچ وجه بر باب و بها تطبیق نمی شود [خود باب هم اعتراف کرده آنجا که به دالگور کی می گوید من چطور ادعای امام زمانی بکنم من که حتی نام مهدی و نام پدرم حسن نیست. که دالگور کی شرابی به او خورانده می گوید من و تو فقط انکار نکن. پول از من ادعا از تو].^۱

و حضرت مهدی "عج" احیاگر دین رسول الله است نه متجدد دین دیگری. بر این مطلب روایات [عدیده‌ای] که نام ائمه "ع" و به ویژه اوصاف حضرت مهدی "عج" را بیان می کند شهادت می دهند.

۲. روایاتی که دلالت بر جوان بودن حضرت مهدی موعود "عج" هنگام ظهور می کنند. آنها که ظهور باب را انکار کردند به خاطر این بود که او را پیرمردی هزار ساله می دانستند [در حالی که روایت تصریح دارد او جوان خواهد بود و علی محمد هم جوان بود پس خودش بود].

پاسخ: باز هم روایت را ناقص آورده به همان مقدار که تا حدودی با ادعای خودش مطابقت دارد می آورد و از ذکر بقیه روایات خودداری می کند. طبق احادیث، آن حضرت با سن بالا ولی قیافه کمتر از چهل سال ظهور می کند علاوه بر این که در همان روایات اوصاف دیگری برای مهدی موعود "عج" ذکر شده که حتی یکی از آنها هم بر علی محمد صدق نمی کند.

آیا علی محمد فرزند نهم امام حسین "ع" است؟ و با نه واسطه نسلش به آن حضرت منتهی می شود؟ آیا آن چنان که وارد شده حضرت عیسی "ع" پشت سر باب نماز خواند؟ عمرش طولانی بود؟ ولادتش مخفی بود؟ بعد از ظهورش صلح جهان را گرفت یا دو جنگ جهانی؟ آیا بیعت هیچ سلطان طاغی بر گردن او نبود یا این که به عکس همیشه از دست حکومت در فشار و فرار بود و در نهایت هم به دست حکومت گرفتار و اعدام شد؟^۲ و دهها علامت دیگر.^۳

۵-۳-۳- دلیل تقریر^۴

استدلال: بقاء و نفوذ شریعت بین مردم دال بر صحت ادعای مدعی است. **پاسخ:**

اولاً: نفوذی نداشته گرچه آمار جعلی هم بدهند که توضیحش گذشت.
ثانیاً: بر فرض که نفوذ کرده آیا نفوذ دال بر صحت و حقانیت است؟ آیا مهدی سودانی که طرفداران بیشتری هم نسبت به بهائیت دارد این نشان حقانیت ادعای مهدویت اوست؟

۱. ر.ک: صحیح، صص ۶۸-۶۹.

۲. به دستور صدراعظم با لیاقت ناصرالدین شاه، امیرکبیر اعدام شد. در مورد جدش از بین اقوال، احتمال خوراک و وحش و درندگان شدنش را عده ای اقوی می دانند. ر.ک: اعتضاد السلطنه، **فتنه باب**، بابک، تهران، ۱۳۵۱، چاپ دوم، ص ۱۴۶.

۳. فهرست منابع شیعی که در آن روایاتی که مهدی "عج" را معرفی کرده اند در دو صفحه در کتاب **بهائیان** دکتر نجفی، ص ۱۸۹-۱۹۰ مذکور است.

۴. شبهات مطرح شده از سوی بهائیان در این زمینه همراه پاسخ های آن در برخی منابع دیگر ذکر شده از جمله ر.ک: محلاتی، **گفتار خوش یارقلی**، موسسه

انتشارات فرهنگی، چاپ سوم، بی تا، صص ۳۱-۳۲.

ثالثاً: اگر عدم نفوذ دال بر بطلان آن شریعت باشد شامل خیلی از پیامبران هم می‌شود. مثل قوم عاد، ثمود، لوط، صالح و دیگر پیامبرانی که از این قبیل هستند. گذشته از این که برخی از پیامبران، بعد از درگذشت خودشان به مرور زمان مغفول شده است و مردم دوباره به همان خرافه پرستی و بت پرستی روی آورده‌اند.

۵-۳-۴- معجزه^۱

گلیپایگانی در این مورد بعد از چهل صفحه عبارت پردازی چیزی را به عنوان معجزه باب^۲ و بها نمی‌تواند بشمارد لذا گاهی معجزات انبیاء را انکار کرده می‌گوید لزومی ندارد که پیامبر معجزه ارائه کند تا کسی انتظار وقوع معجزه از باب و بها داشته باشد.

گاهی هم اخبار مربوط به آینده (اخبار غیبی) باب و بها را به عنوان معجزه شمرده ولی به جای ذکر معجزه باب و بها، طالبان را به محل خود که معلوم نیست این محل کجاست ارجاع می‌دهد.^۳

عقیده سران بهائیت در مورد مهدی موعود با الفاظ متفاوت، همان عقیده بها است که امام و خانواده وی و مکانش همه را موهوم می‌داند.^۴

در زمینه عقاید، ما همان کتاب وزین محاکمه و بررسی باب و بها را معیار قرار داده اختصاراً مطالبی را ذکر می‌کنیم. مطلب آغازین کتاب- قبل از پرداختن به بحث- به این مضمون است که اسلام دارای ده اصل محکم است که به وسیله ثبوت هر کدام از این اصول ده گانه بطلان بهائیت و بابت و هر حزب دیگری که به نام دین جعل می‌شود اثبات می‌شود. اما آن اصول ده گانه عبارتند از:

۵-۴- اصول ده گانه اعتقادی اسلام در بطلان ادیان بعد از اسلام :

۵-۴-۱- اصل اول: خاتمیت دین رسول اکرم "ص"

با استناد به شش آیه از قرآن، تصریح برخی از علما از جمله احسانی و سید کاظم رشتی و استناد به ده روایت که در این تحقیق به ذکر سه آیه بسنده می‌شود:

^۱ در زمینه معجزه شبهات مطرح شده از سوی بهائیان همراه پاسخ های آن در برخی منابع دیگر ذکر شده از جمله ر.ک: محلاتی، *گفتار خوش یارقلی*، پیشین، صص ۱۵-۲۰.

^۲ علی محمد به عنوان معجزه (به قول برخی محققین کرامت) خویش می‌گفت: روزی ۱۰۰۰ ابیت می‌نویسم. بیت در اصطلاح خطاطان یعنی ۵۰ حرف. cd بهائیت، استاد مردانی.

^۳ تمام چهار دلیل گلیپایگانی و ایرادات وارد بر آن از کتاب *بهائیت*، دکتر مهناز آیتی، بی‌جا، بی‌تا، ذکر گردید. نقد کتاب فرائد توسط آیه الله شیخ جواد تهرانی در کتاب *بهائی چه می‌گوید*- که مهناز آیتی هم از این کتاب استفاده نموده است- موجود است که به علت عدم دسترسی به این کتاب گرانسنگ مراجعه به این کتاب حاصل نشد.

^۴ ر.ک: سید محمد باقر نجفی، *بهائیان*، پیشین، صص ۲۰۴-۲۰۵.

^۵ فهرست منابعی که باب و بها اعتراف به خاتمیت پیامبر "ص" نموده انداز کتاب علی رضا روزبهانی بروجردی، *در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه*

ضاله بهائیت)، به نقل از: باب، *صحیفه عدلیه*، ص ۵، بها، *مجموعه الواح مبارکه بهاء الله*، ص ۲۷۰، *مانده*

آسمانی، ج ۴، ص ۲۶۰، *بدیع*، ص ۲۹۳، *اشرافات*، ص ۲۴۶ و ۱۱۷، *مفاوضات*، ص ۱۲۴ و اشراف خاوری در *قاموس توقیع منبع*، ج ۱، ص ۱۱۴.

۱. احزاب / ۴۰: «محمد پدر یکی از شماها نیست او رسول پروردگار متعال و ختم‌کننده پیغمبران است و خداوند به هر چیزی عالم و دانا است.»

و طبق آیه ۱۰۶ سوره بقره که می‌فرماید:

۲. «آیتی از آیات الهی، منسوخ یا فراموش شده و متروک نمی‌شود مگر اینکه آیتی را که بهتر از اولی یا نظیر آن باشد را می‌آوریم.»

کتابی که بعد از قرآن مجید به عنوان کتاب آسمانی و هدایت انسان نازل می‌شود باید از هر جهت بهتر و جامع‌تر و مفیدتر از قرآن باشد و ما اگر قرآن مجید را با کتاب سرا پا أغلاط (لفظی، ادبی، معنوی) بیان و اقدس و مطالب و احکام مسخره‌آمیز و درهم و خنده‌آور^۱ آنها مقایسه کنیم، پاینده بودن دین اسلام اثبات خواهد شد.

۳. آیات تحدی از قبیل آیه ۸۸ بنی اسرائیل: بگو اگر همه جن و انس اجتماع نمایند تا مانند این قرآن را بیاورند البته نخواهند توانست اگر چه همدیگر را یاری کرده و در این مبارزه پشت به پشت یکدیگر بدهند.^۲

۵-۴-۲- اصل دوم: حضرت ولیعصر "عج" امام دوازدهم

مطالبی ذکر گردید ولی تذکر این نکته که در کتاب مذکور آمده خالی از لطف نیست.

بزرگترین دلیل برای وجود حیات امام دوازدهم "عج" در مقابل سید علی محمد و پیروانش نوشته‌های خود او در مقام تمجید و تجلیل و تعظیم و اظهار اشتیاق شدید او برای ملاقات با آن حضرت است که قبل از ادعای قائمیت نوشته است.^۳ اما بعدها که ابواب تأویل گشوده شد یکایک مطالب را تأویل کردند.

۵-۴-۳- اصل سوم: مقام نبوت

مقام نبوت را هم باب و میرزا فقط محتاج به نزول آیات می‌دانند. [مطالب قبلی را ضمیمه کنید به این جواب که] پس در این صورت می‌باید صدها امثال حریری، که جناب باب و بها از فهمیدن جملات ایشان عاجزند، در رأس

۱. یکی از امور بدیهی در مورد مسلک بهائیت، همین مطلب است لذا ما کتاب اقدس و بیان را هم ضمیمه تحقیق کردیم تا ملاحظه شود. به عنوان نمونه ر.ک: محمد علی خادمی، **بی‌بهای باب و بها**، نور، ۱۳۲۷، ص ۱۴۳. و جان ر هیلز، **راهنمای ادیان زنده**، عبدالرحیم گواهی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵، ج دوم ص ۱۱۹۳. جالب اینجاست که همین کتاب‌ها و جملات خود را معجزه خودشان می‌دانند همچنان که در عبارات گلپایگانی ذکر شد و نیز ر.ک: جان. هیلز، **راهنمای ادیان زنده**، پیشین، ص ۱۱۹۳.

۲. در طول تاریخ کسانی بوده‌اند که مثل علی محمد و حسینعلی جملات عربی‌ای به صورت موزون و سبک خاصی نوشته‌اند تا مثلاً آیه یا آیاتی مثل قرآن بیاورند که هر کدام از دیگری مضحک‌تر و بی‌محتواترند و نشانگر وضعیت شخصیتی و معرفتی آورندگانشان می‌باشند نمونه دیگری را ملاحظه نمایید. آیاتی که مسیله می‌گفته است:

والمُؤَدَّاتِ زَرَعًا. و الحاصداتِ حَصَدًا و الذَّارِیَاتِ قَمَحًا و الطَّاحَاتِ طَحْنًا و الخَازِنَاتِ خَبْرًا و...؛ یعنی «قسم به بذریه‌اشان برای کشتن و دروکنندگان درو کردنی و پراکنده‌کنندگان گندمی و آسیاب‌کنندگان گندمی و پخت‌کنندگان نانی و تریدکنندگان تریدی و لقمه‌گیران لقمه‌ای از پیه ذوب شده که شما از چادرنشینان برتری یافته‌اید و شهرنشینان از شما پیشی نگرفته‌اند.» مصطفی طباطبائی، **ماجرای باب و بها**، پیشین، صص ۱۴ - ۱۵.

۳. به نقل از تفسیر سوره یوسف علی محمد باب، **احسن القصص**، سوره ۵۸، یا سیدالاکبر... سوره ۵۹، یا اهل الارض... سوره ۶۰، یا عبادالله... و در ۵ سوره دیگر که در برخی از موارد از همین کتاب به اسم شریف امام دوازدهم "عج" و اسامی آباء طاهرینش تصریح کرده است.

۴. در کتاب **ماهیت باب و بها** (پیشین، ص ۱۰) نیز ده سال ذکر شده است.

مقام نبوت قرار گیرند. یا خود صبح ازل که آیات زیادی نازل کرده [!]^۱ و خود بها ده سال^۱ مقابل او خاضع بوده [و همان طور که قبلاً اشاره شد با تبلیغ یحیی، حسینعلی بابی شد].

۵-۴-۴-اصل چهارم: پروردگار جهان

بها می گوید: حینئذ اننی انا الله لا اله الا انا كما قال النقطه (سید باب) من قبل و بعینه يقول من یأتی من بعد.^۲ که طبق این گفته مقام الوهیت خود، باب و برای آیندگان را ثابت می کند از طرفی دیگر طبق گفته های خودشان بها خدای باب است و بها خدای باب.^۳

جواب اینست که:

جانشینان بها باید پاسخ بدهند که در صورتی که توجه پیدا کردن به پروردگار جهان و مبدأ ظهور و مشرق آیات برای بشر غیر ممکن بوده و به قول بها و عبدالبها السبیل مقطوع و الطلب مردوده پس خود باب و بها در عبادات خودشان به کجا متوجه می شدند؟ و آیا آنها کدام مرآت و مجلی را در نظر می گرفتند؟... آیا باب و بها از افراد بشر نبوده اند؟ آیا مرآت و مجلی بودن بدون تحقق توجه و ارتباط صورت می گیرد؟ و آیا مرایا و مظاهر حق از مظهر بودن خودشان غافل و مرآت بودن خودشان را نفهمیده اند؟

۵-۴-۵-اصل پنجم: عبادت توقیفی است

اصحاب باب ابتدا دو دسته بودند دسته ای تصرف در شریعت اسلام را جایز نمی دانستند ولی دسته ای جایز می دانستند که قره العین از این دسته دوم بود که اولین نفری بود که تصرف کرده قانون حجاب و حکم صوم را نسخ کرد بعدها معتقد شدند که باب پیغمبر جدید برتر از پیامبران سابق است... و خداوند ظهور کرده و مذهب قبل منسوخ و قوانین قدیم از ریشه در آمده اند.^۴

بها تا خودش زنده بود احکام را خودش معین و جعل می کرد بعد از خودش دستور تشکیل بیت العدل را در این زمینه می دهد.^۵

۵-۴-۶-اصل ششم: قیامت و حشر و نشر

قیامت [از نظر اسلام] عبارتست از عود روح به بدن (معاد) و زنده شدن پس از مردن و حشر مردم برای دیدن نتیجه اعمال خوب و بدی که در این جهان بجا آورده اند.

^۲ به نقل از بدیع، ص ۱۵۴؛ ادعاهای دیگر الوهیت او بدیع، ص ۳۴۱، ۳۴۲؛ عبدالبها در مکاتیب، ص ۲۴۵، ۳، ص ۲۵۵، بها در کتاب مبین ص ۲۱، ص ۵ و ص ۴۸، ص ۱۴.

^۳ مستفاد از بدیع، ص ۲۳۲ - ۲۳۶؛ بدیع ص ۳۵۲، ص ۴ که بها از قول سید باب عباراتی را نقل می کند که مضمونش اینست که خدای باب به گفته خودش، من (بها) بوده ام.

^۴ به نقل از ترجمه ملل و ملل از میسیونیکلا، ص ۲۹۷ - و به استناد یازده آیه از علی محمد باب.

^۵ به نقل از اقدس، ص ۹، ۹؛ مکاتیب اول عبدالبها، ص ۴۵۵، ص ۱۷.

باب قیامت را روز ظهور شجره حقیقت [خودش] دانسته و گفته احدی از شیعه یوم قیامت را نفهمیده بلکه همه موهوماً امری را توهّم نموده که عندالله حقیقت ندارد.^۱

بها هم منظور از قیامت را قیام خودش دانسته برای نبوت^۲ و از ساعه^۳ [که در قرآن آمده که منظور قرآن قیامت است] ساعت بعثت خودش را اراده کرده روی این عقیده آیات قرآن را به خودش تأویل می نماید.^۴ بعدها که ابواب تأویل گشوده شد یکایک مطالب را تأویل کردند.^۵

ما می گوئیم: اگر (چنان که جناب بها می گوید) قیامت یعنی قیام یک نفر برای اصلاح حال مردم، بهشت یعنی باغ وصال و لقای شخصی که دعوی مقامی می کند، جهنم یعنی به آتش فراق و جهل و خلاف سوختن. خداوند یعنی آن شخصی که شما را تعلیم و تربیت می کند، معجزه یعنی عاجزکننده یک مشت عوام و احمق و نادان (از دعوی های پوچ و طلا و نقره و حيله و تزویر و سیاست و تدبیر) کتاب آسمانی یعنی آن کلماتی که از سمای فکری و روح به زبان جاری می شود و همچنین سایر قسمت ها، پس آیین و دین یعنی چه؟ پس با امکان این تأویلات و احتمالات چرا مردم بیچاره را زیر بار تکلیف و قوانین می برید؟

جناب عبدالبها طی جملاتی^۶ نه تنها علائم ظهور قائم "عج" را به مسخره و استهزاء و تأویل تمام کرده بلکه علائم قیامت و دوزخ و بهشت و جهان دیگر را نیز (میزان و صراط و حساب و ملائکه و حور و کوثر و غیر اینها) در ردیف علائم ظهور شمرده و همه را واقع شده و منقضی و تمام شده می داند. (جمع این شروط و علائم و وقایع در لمح البصر واقع) اینست که می گوئیم:

بہائیت آزادی مطلق و حریت کلیّی به مردم داده مردم بیچاره را از زیر بار تکلیف و حدود و جزا و دوزخ و عذاب و آخرت و حساب و کتاب می رهااند.^۷

^۱ . به نقل از بیان، باب سابع از واحد ثانی.

^۲ . "...اکثر علما چون این آیات را ادراک نمودہاند و از مقصود قیامت واقف نشدہاند لہذا جمع را بہ قیامت موهوم من حیث لا یشرع تفسیر می نمایند." بیان، پیشین، ص ۶۵.

^۳ . به نقل از اقدس، ص ۱۰۲، ص ۳؛ مکاتیب عبدالبها، ص ۳۳، ص ۱۵؛ اقدس، ص ۲۵۲، ص ۹؛ مکاتیب ثانی عبدالبها، ص ۱۶۵، ص ۱۱؛ که علائم قیامت در برخی از اینها شمرده شده از نظر آنها.

^۴ . برخی از تأویلات دیگر در ص ۹ همین مقاله مذکور است.

^۵ . به نقل از مکاتیب عبدالبها، ص ۳۵۲، ص ۸.

^۶ . اوصاف قیامت از منظر قرآن را می توانید در آیات ۶۶ مریم، اول حج، ۶ حج، ۱۵ مؤمنون و ۶۶ نمل نگاه کنید

۵-۴-۷- اصل هفتم: مقام نبوت امری است و موهبتی است الهی.

فضائل شخصی نبی باید از جانب پروردگار جهان اعطا شود نه از راه ریاضت و تحصیل. در این باب ادعاها و کلمات متناقضی دارند که در برخی درصدد اثبات امری بودن باب و بها کرده‌اند در حالی که تصریح به تحصیل کرده‌اند هر دوی آنها و حتی اسم استادهایشان و علوم و کتبی که با آن سروکار داشته‌اند در منابع اصیل موجود است. ایشان استنادات زیادی در همین کتاب بررسی باب و بها ذکر کرده‌اند که اختصاراً بیان نمی‌کنیم.

۵-۴-۸- اصل هشتم: نبوت و درستی

پیامبر مردم را به سوی راستی و درستی و حقیقت دعوت کرده از راه‌های تزویر و تقلب و تدلیس و دروغ نهی می‌کند. خلاف موارد مذکور در مورد آنها با استناد به بیانات خودشان ثابت شده است. که از جمله ادعای قائمیت و نبوت و الوهیت و عقیده آنها در مورد صراط و قیامت و... است که منابع آن قبلاً ذکر گردید.

۵-۴-۹- اصل نهم: کتاب آسمانی

کتاب آسمانی هم از حیث محتوا هم الفاظ و عبارات باید در حد اعجاز باشد که دیگران از آوردن آن عاجز باشند. راجع به این مطلب هم قبلاً بحث شد.

۵-۴-۱۰- اصل دهم: دین و تناقض نداشتن

حقیقت هر قضیه بیش از یکی نیست. صدق هر کلامی یک رنگ بیشتر ندارد و قرآن به استناد آیه ۸۲ سوره نساء و... عاری از تناقض است.

در احسن القصص در سوره ۸۶ می‌گوید: "چون از سید باب کلامی برخلاف قواعد متداوله شیطانیه شنیدید آن را رد نکنید زیرا که ملک جهان برای پروردگار است و او به هر نحوی که بخواهد در ملک خود تصرف می‌کند". اینکه احتیاجی به علوم متداوله ندارد، در دو شبانه روز نظیر یک قرآن را می‌نویسد، متفکرین جهان نتوانند یک آیه آن را بفهمند و او من یشاء کیف یشاء بما یشاء لما یشاء است. از عبارات سید بدست می‌آید. سید باب خداست صبح ازل هم خداست، موجودات از سید باب آفریده شده و به سوی او نیز برگشت و رجوع خواهند کرد و صبح ازل صراط بزرگ و حقی است که مأموریت دارد کتاب بیان را حفظ کرده و مردم را به آن کتاب دعوت نماید این سخن نیز با مقام رسالت و نمایندگی او کمال تناقض و توافی را داشته از جهات متعدد با دعوی سید باب سازگار نیست.

از جمله تناقضات بها اعتراف به نیابت و وصایت صبح ازل تا چند سال که بعداً موضعش تغییر عجیبی می‌کند که قبلاً ذکر شد.

۶- عقیده کلی بهائیت در سیاست:

از اقدامات میرزا جهت رسیدن به قدرت، از اقدامات سیاسی او، راپورتچی‌گری‌های او، از عاملیت آنان در قتل طیب از خصومتشان با جشن‌های نیمه شعبان، از از شادی‌های آنها در شهادت رزمندگان ایرانی در طول جنگ، از

شادی آنها از رحلت بنیان‌گذار انقلاب حضرت امام خمینی "ره" از همکاسگی او و پیروانش و جانشینانش با کشورهای استعماری متخاصم با اسلام و از مقابله جدی‌ای که علمای اسلام نظیر حضرات عظام بروجردی، امام خمینی "ره" و مرحوم فلسفی با او و عقایدش کردند^۲ و موارد عدیده دیگر، دیدگاه آنها درسیاست مشخص است جهت توضیح بیشتر، مطالب دیگری ذکر می‌گردد:

از نظر بهائیت- به قول خودشان- ادنی مداخله سیاسی قلیاً و ظاهراً و لساناً و باطناً طبق قول ولی امر الله جایز نیست. یکی از محققین علت این کار را دو عامل ذکر می‌کند:

۱. موقعیت سیاسی، مداخله‌های سیاسی، سرسپردگی‌ها و حمایت مأمورین خارجی از بهائیان را پنهان سازند؛
۲. در راستای سیاست خارجی و اشخاص سیاسی خارجی تحت عنوان عدم دخالت سیاسی از آزادی خواهان و وطن خواهان حمایت نکرده باعث تقویت وضع موجود شوند.^۳

یا آنگاه که عثمانی از انگلستان شکست خورد و شروع به حمایت از انگلستان و جاسوسی برای آن کرد که بعدها قضیه جاسوسی او لو رفته حکم عثمانی در صدد اعدامش بر می‌آید که اربابان انگلیسی‌اش به دادش می‌رسند و لقب «سر» به او می‌دهند، باید از او می‌پرسیدند: بدا در حکم خدای بهائیت حاصل شد که سرسپاری از عثمانی به انگلستان عوض شد؟^۴

این جمله نیز از بها است که «کن کشف النار لأعدائی» یعنی «با دشمن من، همچون شعله آتش باش»^۵ در موارد ارتباط بهائیت با آمریکا، انگلیس، اسرائیل و پهلوی مطالب بسیار شنیدنی که چهره بهائیت را بیشتر می‌تواند نشان دهد، مباحث گسترده‌ای صورت گرفته که از حوصله این مقاله خارج است.^۶

۱. مجله **ایام**، پیشین،، صص ۵۳-۵۹.

۲. ر.ک: سعید زاهد زاهدانی، **بهائیت در ایران**، پیشین، صص ۲۹۲-۲۹۳. و مجله **ایام**، پیشین، صص ۵۰-۵۲. نقش مجتهدانی نظیر حضرات عظام بروجردی و امام خمینی "ره"، مرحوم فلسفی و دیگر علمای شیعه در همین راستا بر سینه تاریخ حکم شده و اگر مذهب شیعه با این همه همه‌ها و کیدها باقیست و روز به روز هم بر تعداد شیفتگان ائمه اطهار "ع" در سطح دنیا افزوده می‌شود به الطاف باری تعالی، امام عصر "عج" و همت و بصیرت و ژرف‌نگری علما و مجتهدین می‌باشد.

۳. سید محمد باقر نجفی، **بهائیان**، مشعر، قم، ۱۳۸۲، ج اول، صص ۷۳۶ - ۷۳۹، به نقل از احمد یزدانی مبلغ مشهور بهایی در کتاب **نظر اجمالی در دیانت بهائی**.

۴. ر.ک: همان، صص ۶۴۵-۶۳۹، به نقل از **کشف الحیل**، ص ۱۴۹، **قرن بدیع**، ص ۲۹۹، **مکاتیب**، ج ۴، ص ۳۴۵.

۵. مصطفی حسینی طباطبایی، **ماجرای باب و بها** (پژوهشی نو و مستند در باره بایگیری و بهائینگری)، روزنه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰، ص ۱۵۳، به نقل از **لوح احمد حسینی** بها.

۶. جهت اطلاع اجمالی، ر.ک: مجله **ایام**، پیشین.

۷- احکام بهائیت:

۷-۱- نماز و روزه

که از اول بلوغ واجب می‌شود نماز نه رکعت است برای خدا، نازل کننده آیات. حکم به عدم نماز جماعت داده شده در حالی که براساس شواهد تاریخی خود میرزا و پسرش تا آخر عمر پشت سر امام جماعت وقت نماز را به جماعت می‌خواندند.

۷-۲- قبله

که همان جایگاه جسد بها در عکا است.

۷-۳- سرقت

که بار اول دزد را تبعید، در بار دوم زندان و بار سوم علامتی در پیشانی دزد بگذارند که بدان وسیله شهرهای خدا او را نپذیرند. به این حکم که بهائیان آن را برجسته‌ترین احکام اقدس می‌دانند چندین ایراد وارد شده است.^۲

۷-۴- زنا:

دیه آن نه مثقال طلا برای بیت‌العدل است. در صورت تکرار دو برابر و الی آخر که در آن فرقی بین زناى محصنه و غیر محصنه قرار داده نشده است.

۷-۵- عید:

اعیاد واجب روز ولادت بها و روز بعثت باب می‌باشد.

۷-۶- ازدواج:

[علاوه بر نکاتی که قبلاً ذکر شد این نکته هم مفید است که] به عقیده بهائیان ازدواج با بیش از یک زن حرام است.

آزادی معاملات ربوی، الغای حجاب زنان و ترک تراشیدن ریش مردان از دیگر احکام آنهاست.

نفی روحانیت و ملغی نمودن این نهاد نیز یکی از ابداعات بهاء است.^۳

در وضو گرفتن، شستن دست‌ها تا مچ و شستن صورت در مرتبه اول با گلاب و در صورت نبودن آب، گفتن کلمه الله اَطْهَر به جای وضو و تطهیر کافی است علاوه بر اینکه مسح سر و پاها نیز لازم نیست. میرزا بها ابتدای بلوغ زن و مرد را در سن شانزده سالگی و منتهای آن را سن هفتاد سالگی دانسته است.

۱. ویژگیهای قانونگذار عبارتند از: ۱- انسان را کاملاً بشناسد. ۲- وضع قوانین سود و ضرری برایش نداشته باشد. ۳- از وضع قوانین نهراسد. از آن رو که این ویژگیها

مختص خداست، غیر خدا نمی‌تواند واضع قانون باشد. ر.ک: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نسا، **ولایت فقیه و انتظار**، سازمان بسیج دانش آموزی و فرهنگیان، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۱-۲۴.

۱. ر.ک: سعید زاهد زاهدانی، با همکاری محمدعلی سلامی، **بهائیت در ایران**، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، به نقل از عبدالحمید اشراق خاوری، **گنجینه حدود و احکام و بدیع**، ص ۱۰۵.

۲. ر.ک: **بهائیت در ایران**، صص ۱۱۰-۱۱۲.

نه روز در سال کسب و کار حرام است.^۱

عدم جواز ذکر گفتن بین مردم، حرام بودن سؤال کردن فقیر [تکدی گری] و نیز حرام بودن اعطای چیزی به او، حلال بودن پوشیدن حریر برای مردان و جواز ریش تراشی برای آنها، حرام بودن بوسیدن دست، حرمت تراشیدن موی سر، تحریم نشستن بر روی منبر، جایز نبودن نشر کتاب‌هایی که صلاح بهائیت نیست به نام اینکه مخالفت با دولت است، حرام دانستن تقیه با آنکه خودشان به شدت تقیه می‌کردند، جواز غنا، تحریم سفرهای زیارتی مگر اینکه برای زیارت خودشان یا قبرشان باشد، تجویز استفاده از ظروف طلا و نقره، منع از غذا خوردن با دست، حرام بودن تریاک کشیدن به طور مطلق، پاک دانستن تمام اشیاء حتی سگ و خوک و منی حرام بودن دخول در خزینه حمام (و حوض و این طور اماکن)، تکفین میت در پنج پارچه حریر یا پنبه و دفن کردن میت در عرض یک ساعت و الا حرام است در حالی که به قول خودشان بها دستور می‌دهد جنازه باب را از تبریز به تهران نقل داده در امامزاده معصوم ودیعه نهادند تا در سنه ۱۲۸۴ باز به دستور بها جنازه را از آنجا برداشته به سوی عکا [در فلسطین] نقل نمودند، گذاشتن میت در میان بلور یا سنگ‌های محکم یا چوب‌های سخت و لطیف و انگشترها منقوش به آیه در دست میت کردن^۲، محو همه کتب الا کتابهای علی محمد (بیان فارسی ص ۱۹۸)، منع تدریس همه کتب الا کتاب "بیان" (همان، ص ۱۳۰) از طرفی حکم به کشتن غیر مؤمنین به "بیان" و از طرفی حکم به مصادره اموال آنها، (همان، ص ۲۶۲) هوا از جمله مطهرات است (همان، ص ۱۵۷)، اگر معلمی دانش آموزی را بیش از پنج ضربه تنبیه نماید ۱۹ شب همسرش بر او حرام می‌شود. (همان، ص ۱۷۳) نهی شده از مسکرات و هر چه حکم دوا بر او شده است (همان، ص ۲۱۷)^۳ و احکام دیگر^۴ که اختصاراً از ذکر آنها صرف نظر می‌گردد نیز از احکام این مسلک می‌باشد.

۸- تبلیغ بهائیت^۵

۸-۱- برخی از اقدامات تبلیغی بهائیت در ایران:

۸-۱-۱- صرف میلیون ها دلار برای خرید "فضا" و "وقت" از ماهواره‌های گوناگون.

۱. ر.ک: علامه مصطفوی، *محاکمه و بررسی باب و بها*، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، تهران، چ چهارم، ج سوم، ۱۳۸۶، صص ۲۲۳ - ۲۳۲.
۲. ر.ک: همان، ج دوم، صص ۵۴-۱۰۳. و ر.ک: حسن نیکو، *فلسفه نیکو*، بنگاه مطبوعات س فراهانی، ۱۳۴۲، صص ۱۱۰-۱۲۴. این کتاب نسز از بهترین منابع در شناخت بهائیت است که عقاید و احکام بهائیت را همراه انتقادات وارد بر آنها راه رشته تحریر در آورده است. از آنجا که دکتر نیکو زمانی بهائی بوده، چنین می‌سراید: *زمن شنوکه بگویم هر آنچه دیده شده نه از کسی که بگوید چنین شنیده شده (صفحه آخر) چهاردهی در باب کیست سخن او چیست* دو کتاب بایان در در بهائیت (تنبیه النائمین عزه خانم، عمه عبدالبها، و هشت بهشت میرزا آقاخان نوری و احمد روحی) را بهترین ردیه بر بهائیت میدانند.
۳. شش حکم اخیر از بیان به نقل از مهدی کریمی، بهائیت از ادعای واقعت و پیشین.
۴. در جواب اشکالات به احکام "بیان" دده ای می‌گویند مابهای هستیم بابت نسخ شده است در حالی که بهایمی گویند: "نسبت داده اند که احکام بیان نسخ نموده الا لعنة الله علی القوم الظالمین. (اقتدارات، ص ۱۰۳). ر.ک: مهدی کریمی، بهائیت از ادعای واقعت و پیشین.
۵. تذکر این نکته به جاست که: از آنجا که حسن موقر بال یوزی - رئیس محفل ملی بهائیان انگلستان که بعد از شوقی افندی می‌توان گفت که بیت العدل با حمایت و پیگیری وی بنا شد - بنیان گذار بخش فارسی BBC است، این بخش از شبکه خبری متأثر از بهائیان است. نقش حسن موقر در راستای بنای بیت العدل در کتاب *انشعاب در بهائیت* تألیف اسماعیل راتین مورد اشاره واقع شده است.

۸-۱-۲- تبلیغ رذیلانه درباره اعزام دختران ایرانی به منطقه شیخ نشینهای خلیج فارس که طبق تحقیقات صورت گرفته تمام گروه های فعال در این زمینه بهائی هستند. اجرای این طرح تحت عنوان "تبلیغات منفی" با هدف بد نام کردن جمهوری اسلامی صورت میگیرد

۸-۱-۳- انجام کارهای خیریه و عام المنفعه مانند عیادت از بیماران در بیمارستانها، نظافت پارک های محل و معابر کوهستانی، مراجعه به آسایشگاه سالمندان و کمک به سالخوردگان توسط کودکان بهائی ۱۲-۱۵ ساله که در صورت امکان این کار همراه بزرگ ترهانشان صورت می گیرد.

۸-۱-۴- تربیت راهنمایان و مبلغین بهائی که از طریق آشنائی مجدد با دوستان دوران مدرسه، ایجاد کلاسهای آشپزی و هنری، رفت و آمد به کتابخانه ها و سمینارها و... به تبلیغ می پردازند.

۸-۱-۵- تبلیغ تحت عنوان یونیسف و پژوهش دنیای کودک در مدارس شیراز که از گروه ۵۴ نفریشان سه نفر بازداشت شده اند.

۸-۱-۶- تبلیغات بر روی برخی اجناس. ۱.

همه اقدامات فوق ناشی از احکام بیت العدل میباشد. البته دلایل عدیده ای مبنی بر اثبات شکست روز افزون بیت مذکور موجود است.^۲

۹- جمع بندی:

در عصر غیبت با تاسی از فرمایش یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی "عج" مبنی بر رجوع در حوادث واقعه به فقها^۳ و در راس آنها ولی فقیه^۴، اسلام واقعی حفظ و در نتیجه ارزش و کرامت و جایگاه واقعی انسانی باقی و نقشه دشمنان سعادت انسانی لگد کوب خواهد شد.

میرزا حسینعلی (بها) اهمیت والای این مطلب را درک کرده لذا منکر ولایت فقها و (مشروعیت ولایت آنها) گشته^۵، رجوع به علمارا منع کرده،^۶ البته رجوع به واقفین مخازن علم (ظاهرا خودش و سران بهائی مراد است) را لازم می

۱. محمود علی پور، مبلغان شیطان، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فرهنگ پویا (نشریه دانشجویی دفتر پژوهش های فرهنگی)، شماره ۷، اسفند ۱۳۸۶، صص ۹۷-۱۰۲. مورد اخیر در هفته نامه کشوری فرهنگ اسلام، شماره ۲۳۴، سال یازدهم، شنبه ۵ آبان ۸۶، ص ۴ نیز مذکور است.

۲. ر.ک: همان، ص ۱۰۰.

۳. "و اما الحوادث الواقعة فرجعوا الی رواة احادیثنا". حر عاملی، وسائل الشیعه، موسسه آل البیت "ع"، قم، ۱۴۰۹، ج اول، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

۴. سه عامل اقتدار تشیع ۱- خط سرخ که از حسین "ع" و خط سبز که از موعود امام "عج" می گیرد و ولایت فقیه پیوسته مورد توجه دشمنان تشیع بوده و فوکویاما هم ضمن بیان این نکته، به این مطلب هم اعتراف می کند که نظریه پایان تاریخ - که وی ادعا کرده بود اجماعی جهانی به نفع دموکراسی به وجود آمده، باشکست نماینده فکری غرب (آمریکا) و شکست اسرائیل و پیروزیهای چشمگیر کشورها و گروه های اسلامی شیعی - باطل شده است. در مورد نظریه ولایت فقیه صریحا بیان می کند که این نگاه برتر از نظریه نخبگان افلاطون است. مقاله تاریخ در پایان تاریخ نوشته فوکویاما ترجمه ابراهیم اسکافی قابل دسترس در آدرس:

[HTTP://WORLD.IRAN-EMROOZ.NET/XINDE.PHP?/WORLD/MORE/11519](http://world.iran-emrooz.net/xinde.php?/world/more/11519)

مقاله دکترین بوش در مورد تحول خاورمیانه شکست خورده است نوشته فوکویاما قابل دسترس در آدرس:

[HTT://WWW.SOLTTV.NET/PERARTICLES/PER/MR-07-19-UKUYAMA.HTML](http://www.solttv.net/perarticlesper/mr-07-19-ukuyama.html)

۵. ایقان، پیشین، ص ۱۳۸.

۶. همان، ص ۱۳۸.

داند^۱- آنرا مخالف نصیحت انبیا^۲ و علت عدم درک این هیاکل الهیه (باب و بها) از سوی مسیحیان^۳ و شیعیان^۴ معرفی کرده علت این منع را استغراق علما در شئونات نفسیه و اشتغال به امورات دنییه فانیه^۵ دانسته و می گوید علمای همه احکام اسلام را تقلیداً قبول دارند.^۶ دانسته القاب زشتی^۷ بر آنها و شیعیان^۸ اطلاق کرده است.

یافته های این تحقیق بدین قرار است:

- ۱- عقاید بهائیت بر گرفته از وحی نبوده حتی بیشتر آنها فاقد پشتوانه عقلی اند.
- ۲- با آنکه باب تاویل به دستور سران مسلک مسدود گشته ولی در عمل تاویلات زیادی کرده اند که خود این تاویلات هم معقول و مشروع نیستند.
- ۳- اعتقادات بهائی متناقض و بسیار سست اند تا آنجا که خود بزرگان بهائی هم بدان معترفند.
- ۴- نه بهائیت قابلیت "دین بودن" دارد نه بنیانگذاران آن صلاحیت مقامات ادعایشان را دارند و نه خدا فاعلیت ارسال و وضع چنین دینی را دارد.

۱. همان، ص ۱۵۲.

۲. همان، ص ۱۳۸.

۳. همان، ص ۶۷.

۴. همان، ص ۶۹.

۵. همان، ص ۶۹.

۶. همان، ص ۱۵۳. البته شیعه تقلید در اصول دین را حرام ولی در فروع دین به ادله نقلی و عقلی (رجوع به متخصص) واجب می داند.

۷. همان، ص ۳۳، ۲۶، ۱۵، ۵، و ۶۷.

۸. همان، ص ۱۹۴، ۳۲. و صبحی، پیام پدر، پیشین، ص ۹۰ و ص ۹۸ که می نویسد: بها ایرانیان را قبل از بهائی شدن جانوران درنده خونریز، دور از آموزش و پرورش، زشتکار و بد کردار تا آنجا که (میگوید) بیگانگان ایرانیان را پست ترین مردم جهان می پنداشتند.
بها قلوب بهائیان را قلوب جیده منیره و قلوب غیر بهائیان را اراضی جزوه فانیه مد داند! **بقان**، پیشین، ص ۱۴۱.

۱۰- فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. صحیفه سجادیه
۳. آیتی، مهناز، بهائیت، بی‌جا، بی‌تا.
۴. آیتی، عبدالحسین، کشف الحیل، ج ۱.
۵. آیتی، عبدالحسین، الکواکب الدرّیه، ج ۱.
۶. اعتضاد السلطنه، فتنه باب، بابک، تهران، ۱۳۵۱، چاپ دوم، ص ۱۴۶.
۷. افراسیابی، بهرام، تاریخ جامع بهائیت، مهر فام، تهران، ۱۳۸۲، چاپ دهم.
۸. بی‌نا، فجایع بهائیت و واقعه قتل ابرقو استخراج از پرونده های شاهرود، کاشان و ابرقوی یزد در دادگاه جنائی تهران، کیهانی، تهران، بی‌تا.
۹. چهار دهی، نورالدین، چگونه بهائیت پدید آمده، آفرینش، تهران، ۱۳۶۹، چاپ دوم.
۱۰. عاملی، حر، وسایل الشیعه، موسسه آل‌البتیت "ع"، قم، ۱۴۰۹، چ اول.
۱۱. خادمی، محمد علی، بی‌بهای باب و بها، نور، ۱۳۲۷.
۱۲. روزبهانی، بروجردی، علی رضا، در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت)، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۳. رئوفی، مهناز، سایه شوم (نیمه پنهان، ج ۲۶)، کیهان، ۱۳۸۵، چاپ دوم.
۱۴. رضائزاد، عزالدین، فصلنامه علمی - تخصصی انتظار موعود، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
۱۵. زاهد زاهدانی، سعید، با همکاری محمد علی سلامی، بهائیت در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.
۱۶. زمردیان، احمد، معارف الهی (شرح دعای سحر)، کتابفروشی شفیعی، شیراز، ۱۳۵۵.
- ۱۷.
۱۸. علامه مصطفوی، محاکمه و بررسی باب و بها، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، تهران، چ چهارم، ج سوم، ۱۳۸۶، صص ۲۲۳ - ۲۳۲.
۱۹. علی پور، محمود، مبلغان شیطان، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فرهنگ پویا (نشریه دانشجویی دفتر پژوهش های فرهنگی)، شماره ۷، اسفند ۱۳۸۶.
۲۰. فضایی، یوسف، تحقیق در تاریخ: و عقاید شیخی‌گری، بابی‌گری... و کسروی‌گرایی، آشیانه کتاب، تهران، ۱۳۸۱.
۲۱. کینیاز دالگورکی، خاطرات کینیاز دالگورکی، حیدر بهره‌من، مؤسسه فرهنگی دارالمهدی و القرآن الکریم، اصفهان).
۲۲. گلیاگانی (فرید)، حسن، ترجمه مفتاح باب‌الابواب یا تاریخ باب و بها، تابان، ۱۳۳۴.
۲۳. مجله ایام، شماره ۲۹، ۶ شهریور ۱۳۸۶.
۲۴. محمد رضائی، محمد و دیگران، جستارهایی در کلام جدید، سمت، قم، چاپ دوم.
۲۵. مستوفیان، علی امیر، رهبران ضلالت، مولف، تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول.

۲۶. مصطفی حسینی طباطبایی، ماجرای باب و بها (پژوهشی نو و مستند در باره بایبگری و بهائیکری)، روزنه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۲۷. مهتدی (صبحی)، فضل الله _ کاتب عبدالبها _، به اهتمام علی امیر مستوفیان، خاطرات انحطاط و سقوط، علم، تهران، ۱۳۸۴.

۲۸. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج پنجم.

۲۹. نجفی، سید محمد باقر، بهائیان، مشعر، قم، ۱۳۸۲، ج اول.

۳۰. نیکو، حسن، فلسفه نیکو، بنگاه مطبوعات س فراهانی، ۱۳۴۲.

۳۱. هفته نامه کشوری فرهنگ اسلام، شماره ۲۳۴، سال یازدهم، شنبه ۵ آبان ۸۶.

۳۲. هینلز، جان. ر.، راهنمای ادیان زنده، عبدالرحیم گواهی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵، ج دوم.

۳۳. یاسینی نسب (عمارلو)، عبدالعلی، خاطرات سیاسی جاسوس روسی کیناز دالگورکی در ایران، صبوری، قم، چ اول، ۱۳۸۲.

۳۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، موسسه الوفای بیروت، ۱۴۰۴، ج ۴۹.

۳۵. اسلامی، زینب، گناه و ترس آگاهی در اندیشه کی یر کگارد، مجله علمی-ترویجی معرفت ۱۳۳، سال هفدهم، شماره دهم، دی ۱۳۸۷.

۳۶. مردانی، cd، بهائیت.

۳۷. رئوفی، مهناز، مسلخ عشق و کیهان، ۱۳۸۵، چاپ دوم.

۳۸. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰ حدیث ۷.

۳۹. صبحی، پیام پدر، نسخه الکترونیکی، ص ۱۵-۱۶.

۴۰. کریمی، مهدی، بهائیت از ادعا تا واقعیت، ص ۵۶ (در نسخه الکترونیکی بقیه آدرس کتاب ذکر نشده است).

۴۱. سایت بهائی پژوهی، عناوین آخرین مقالات، بی نا، جرم بهائی پژوهی چیست؟

۴۲. ماهیت باب و بها، ص ۱۴ (در نسخه الکترونیکی بینا، تا و جا ست).

WWW.KRBAHAIIAT.BLOGFA.COM

۴۳. محلاتی، گفتار خوش یارقلی، موسسه انتشارات فرهانی، چاپ سوم، بی تا،

۴۴. معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نسا، دین شناسی، سازمان بسیج دانش آموزی.

۴۵. معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نسا، ولایت فقیه و انتظار، سازمان بسیج دانش

آموزی و فرهنگیان، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۸.

۴۶. رائین، اسماعیل، انشعاب در بهائیت.

منابع بهائی (غالباً از نسخ الکترونیکی استفاده شده است):

۴۷. اشراق خاوری، عبدالحمید، ایام تسعه.

۴۸. اشراق خاوری، عبدالحمید، رحیق مختوم، ج ۱.

۴۹. اشراق خاوری، عبدالحمید، رحیق مختوم، ج ۱.
۵۰. اشراق خاوری، عبدالحمید، قاموس توفیق منیع، ج ۱.
۵۱. اصفهانی، سید محمد ملقب به «أبا وحید»، نامه ها. (بابی)
۵۲. اصفهانی، علی محمد، رساله. (بابی)
۵۳. حاجی میرزا کاشانی، مقدمه براون.
۵۴. ج. ای. اسلمنت، (ترجمه ع. بشیر الهی، ه. رحیمی وف سلیمانی)، بهاء الله و عصر جدید.
۵۵. الجرفادقانی، ابوالفضل محمد بن محمد رضا، الفرائد فی بیان وجوه اقسام الدلیل والبرهان و جواب مسائل انتقد بها
حضرة الشیخ عبد السلام علی أهل الايقان، قاهره، ۱۳۱۵ ه. ق.
۵۶. جزوه تبلیغی بهائیت، بی نا، بی جا، بی تا.
۵۷. شوقی افندی، قرن بدیع.
۵۸. شیرازی، علی محمد (باب)، احسن القصص (تفسیر سوره یوسف).
۵۹. شیرازی، علی محمد (باب)، بیان فارسی.
۶۰. شیرازی، علی محمد (باب)، بیان.
۶۱. شیرازی، علی محمد (باب)، صحیفه عدلیه.
۶۲. شیرازی، علی محمد (باب)، لوح هیکل.
۶۳. شیرازی، علی محمد (باب)، دلائل سبعة.
۶۴. عبدالبها، مکاتیب.
۶۵. عبدالبها، الواح و وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء.
۶۶. عبدالبها، تذکره الوفاء فی ترجمه حیاة قدماء الاحباء.
۶۷. عبدالبها، خطابات حضرت عبدالبها در سفر اروپا.
۶۸. عبدالبها، خطابات حضرت عبدالبها، ج ۱.
۶۹. عبدالبها، رساله سیاسیة حضرت عبدالبها.
۷۰. عبدالبها، رساله مدینه (عبدالبها) ج ۴.
۷۱. عبدالبها، قسمت دوم خطابات حضرت عبدالبها در سفر آمریکا و کانادا.
۷۲. عبدالبها، قسمت سوم خطابات عبدالبهاء در سفر اروپا، آمریکا، کانادا و مصر و ارض اقدس.
۷۳. عبدالبها، مائده آسمانی ج ۵.
۷۴. عبدالبها، مائده آسمانی ج ۹.
۷۵. عبدالبها، مفاوضات.
۷۶. عبدالبها، مقاله شخصی سیاح.
۷۷. عبدالبها، مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۲.
۷۸. عبدالبها، مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۵.
۷۹. عبدالبها، مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۸.
۸۰. عبدالبها، مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۳.

۸۱. عبدالبها، مکاتیب عبدالبها ج ۱.
۸۲. عبدالبها، مکاتیب عبدالبها ج ۴.
۸۳. عبدالبها، مکاتیب عبدالبها ج ۷.
۸۴. عبدالبها، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبها ج ۶.
۸۵. عبدالبها، منتخباتی از مکاتیب عبدالبها ج ۱.
۸۶. عبدالبها، منتخباتی از مکاتیب عبدالبها ج ۴.
۸۷. عزیزه خانم، (خواهر بزرگ میرزا حسینعلی)، رساله تنبیه النائمین. (بابی)
۸۸. قهیر، ملا رجبعلی، رساله. (بابی)
۸۹. مارندران، فاضل، اسرار الاثار، ج ۱.
۹۰. مازندران، فاضل، ظهور الحق، ج ۳.
۹۱. مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبها.
۹۲. نراقی، محمد جعفر، تذکره الغافلین. (بابی)
۹۳. نوری حسین علی (بها)، کتاب مستطاب ایقان، طبعت الموسوعات بیاب الشعریه بمصر سنه ۱۳۱۸ هـ ۱۹۰۰ م.
۹۴. نوری حسین علی (بها)، بدیع.
۹۵. نوری حسین علی (بها)، ادعیه حضرت محبوب.
۹۶. نوری حسین علی (بها)، اشراقات.
۹۷. نوری حسین علی (بها)، اقدس.
۹۸. نوری حسین علی (بها)، اقدس، ص ۲، چاپ بمبئی، سنه ۱۳۱۴.
۹۹. نوری حسین علی (بها)، گلزار تعالیم بهائی.
۱۰۰. نوری حسین علی (بها)، لوح احمد.
۱۰۱. نوری حسین علی (بها)، مائده آسمانی، ج ۴.
۱۰۲. یزدانی، احمد (مبلغ مشهور بهایی)، نظر اجمالی در دیانت بهائی.

منابع انگلیسی:

۱۰۳. Shoghi effendi, guidance for tomorrow, London\wilmette, il, bahai publishing trust, 1953
۱۰۴. Paul Edwards, The Encyclopedia of philosophy, vol. 7, p. 140
۱۰۵. A New Dictionary of Religion, Ed by John R. Ainnells, p. 414
- سایتها:
۱۰۶. سایت صفا، مقاله زن در بهائیت، بی نا.
۱۰۷. bahaireserch. ir. عناوین آخرین مناظرات، حضرت بهاء الله خدای خدایان! (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵). و نگاهی به کتاب اقدس، (پنجشنبه ۲۵ بهمن، ۱۳۸۶). و دعوی الوهیت، پنجشنبه خرداد ۱۳۸۷.
۱۰۸. فوکویاما، مقاله تاریخ در پایان تاریخ، ترجمه ابراهیم اسکافی، قابل دسترس در آدرس:

[HTTP://WORLD.IRAN-EMROOZ.NET/INDEX.PHP?/WORLD/MORE/12519](http://WORLD.IRAN-EMROOZ.NET/INDEX.PHP?/WORLD/MORE/12519)

۱۰۹. فوکویاما، مقاله دکترین بوش در مورد تحول خاورمیانه شکست خورده است، قابل دسترس در آدرس:

[HTT://WWW.SOLTV.NET/PERARTICLES/PER/MR-07-19-UKUYAMA.HTML](http://WWW.SOLTV.NET/PERARTICLES/PER/MR-07-19-UKUYAMA.HTML)